نیسان

شماره ۱
صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
ش. انور

تکشماره ۲ ریال
۲۰ آذر ماه ۱۳۲۸
روزهای چهارشنبه
منتشر میشود

نیسان به صحنه مطبوعاتی ایران گام می نهد

با انتشار این شماره روزنامه نیسان بصحنه اجتماع ایران قدم می گذاردو زندگی مطبوعاتی خودرا آغازمیکند. وظیفه شرافتمندانه ای که ازهم اکنون روزنامه ما بگردن گرفته وآنرا با پایداری تعقیب میکند عبارت است از انعکاس احتیاجات ،آرزو هاوتمایلات کلیه هم میهنان عزیز منجمله یهودیـان ایران که هم کیشان ما هستند .

منظورما این نیست که بین هم‌میهنان ایرانی و هم کیشان یهودی خود که آنهانیز ایرانی هستند قائل به جدائی باشیم ،بنظر ماکلیه ساکنین میهن عزیز ما ایران اعم از مسلمان و یهود و یا پیروان هر کیش و عقیدهٔ دیگر قبل از همه چیز ایرانی هستندباید برادروار باهم زندگی کنند برای تـرقی و پیشرفت میهن خـود مشترکا کوشش نمایند و درغم و شادی یکدیگر شریک باشند.

ما هیچ مانع جدی در راه امکان چنین دوستی و برادری بین افراد مسلمان و یهود نمی‌بینیم و از این جهت یکی ازوظایف بزرك خود را برداشتن پرده‌های جدائی مصنوعی میدانیم که بدست دشمنان ایران برای ایجاد نفاق و نیات تفرقه انگیز کشیده شده‌و همه‌ایرانیان از آن زیانهای بزرك برده‌اند .

ما فکر دوستی ، همکاری ، تعاون ، برادری و اشتراك منافع هم میهنان مسلمان و هم کیشان یهودی خود را تبلیغ میکنیم و از هر کوششی در انجام **این وظیفه شریف و عالی باز نمی ایستیم**

امروزوضع میهن‌ماایران بصورتی در آمده‌است که کوشش در راه اصلاح و بهبود آن وظیفه هر ایرانی اعم از مسلمان‌ویهود .

رجوع شود بصفحه ۸

بمناسبت ایام ((حنوکا))

تاریخ هر ملت نموداری است از کوششی که مردم آن درراه آزادزیستن و بدست گرفتن اختیار زندگی خـود بعمل آورده اند . گذشته هر جامعـه مجموعه‌ای‌از این‌تلاشهاو جد و جهد ها میباشد ـ بر خلاف وقایع راجع بمظالم‌و کشتار های‌دسته جمعی جهان گشایان این نوع فعالیت ها کمتر در تاریخ ثبت شده است .بعضـی از آنهـا بصورت افسانه هاو رسوم و آداب‌ملی اثری از خود بیاد کار گذاشته اند .

جشن «حنوکا» که این روزها درخانه های ما بصورت روشـن کردن چراغ هائی چندباشرایط مخصوص بر گزار میشود درواقع یاد گاری از مجاهدتهائی است که‌یك عـده از پدران ما بـرای برانداختن غل وزنجیر بندگی از خـود نشان‌دادند .

در حدود دوقرن قبل ازمیلاد ملت یهود در زیر چنگال برده داران یونانی

بقیه در صفحه ۶

افسانه نیسان

ج - آراسته

صدهزاران صدف از سینهٔ موج — سر برآورده و بگشوده دهان
دیده ها دوخته بر ریزش ابر — گفته آهسته که:نیسان! نیسان !

☆☆☆

در فضا چرخ زنان قطرهٔ آب — پاك و رخشنده چو گوئی از سیم
پای کوبان ز سر مستی و شور — دستی آویخته بر بـال نسیم

☆☆☆

چندی این قطره در آغوش سپهر — شورش‌وفتنه بر انگیخته است
گاه باطوفان ، گاهی بـا بـرق — گاه با رعد در آویخته است

☆☆☆

بوده این قطره در شیب و فراز — گاه شادان و گهی افسرده
تکیه بر بـال مـلایك داده — سیلی از دست حوادث خورده

☆☆☆

داشت این شاهد زیبا در پیش — سفر، اما سفری دور و دراز
اینك امروز پس از رنـج سفـر — رقص رقصان بوطن آمده باز

☆☆☆

بهر این لعبت فتان ، دریا — از صدف حجله‌ای آراسته است
و اندران حجلـه فراهم کـرده — چیزهائی که دلش خواسته است

☆☆☆

در دهان صـدف این قطرهٔ پـاك — مدتی گـوشه نشین خـواهد شد
در همان گوشه پس‌از کسب کمال — عاقبت در ثمین خـواهـد شد

☆☆☆

راست گفتند کـه در عالم سعی — گنج بی رنج میسر نشود
پای ننهاده بزندان صـدف — قطرهٔ باران ! گـوهر نشود

پایان جنگ داخلی در چین

چندی پیش آژانس رسمی کمونیست های چین (سین‌هوا) اعلام‌داشت که‌طی‌دو ماهه سپتامبر واکتبر بیش‌از ۳۴۰ شهر ومرکز ایالتی بتصرف نیروهای کمونیست درآمده ،چهارصدو نود هزارازلشکریان دولت چانکای‌شك تارومار شده ،وبالنتیجه ۷۵درصد جمعیت‌و ۷۱درصد اراضی‌چین بدست لشکریان کمونیست افتاده است .

مقارن‌صدور این اعلامیـه آژانس رویتر اطلاع داد که پس ازعزیمت چیان کایشك بفرمز لشکریان کمینتانك مقیم ایالت یونان واقع در جنوب باختر چین به کمونیستها پیوسته اند .ژنرال لوهان فرمانده‌ایالت‌نامبرده تلگرافی وفاداری به‌مائوتسه تونك مخابره کرده‌است .

با پیوستن‌نیـروهای کومین تانك بقوای کمونیست جنك‌داخلی چین‌علا‌خاتمه پیدا میکند واکنون‌قوای کمونیست وظیفه ئی جز ورود مسالمت آمیـز به نواحی باقیمانده ندارند .

ژنرال چیانکایچك که‌پس ازعزیمت کفیل ریاست جمهوری چین لی‌تسونگن به‌امریکا « برای معالجه معده خود » مجددا بسمت ریاست جمهوری منصوب شده‌است ، درحین عزیمت به‌برموز گفته بود جنك را از آنجا اداره خواهد کرد پس‌ازوصول اخبار اخیر ، قدری تغییر لحن داده و کلمه «جنك» رابه عملیات

بقیه درصفحه ۳

ترجمه ازاگرت لاعوله

یك‌ملیون‌یهودی‌ساکن کشور ایسرائل

با۶۷۳ نفر مهاجریکه بتازگی از تریپولی به‌حیفاوارد شده‌اندتعدادیهودیان کشور اسرائل بیك‌ملیون بالغ گردیده است:

از موقع تشکیل دولت ایسرائل ۳۲۱۹۹۱ نفروارد کشور ایسرائل‌شده اند درطی‌همان مدت نشوو نمای طبیعی یعنی متولدین پس از وضع مرك ومیر ۲۳۶۰۰ نفر بوده است یك‌قسمت قابل ملاحظه این مهاجرت ازاروپای خاوری بعمل‌آمده‌است‌بموجب آمارادارهٔمهاجرین آژانس یهود قبل‌از اینکه کشورلهستان درهای خودرا بروی مهاجرین مسدود نماید ۷۳۴۳۸ نفریهودی ازآنجابکشور ایسرائل مهاجرت کرده‌اند واکنون‌نیز درحدود ۷۰۰۰۰ نفـر دیگر یهودی

بقیه درصفحه ۵

وضع اقتصادی کشور

وضع اقتصادی کشورماخوب‌نیست، بیکاری و گرسنگی داردملت را ازپادر میاورد،مردم دسته‌دسته از شهرها برای رهائی از فقر و بیکاری بمرکز کشور رومیآورند، کسبه‌دست‌روی‌دست گذاشته اند وورشکستگی هردم بازرگانان را تهدیدمیکند،وهمه‌ازخود می‌پرسند عاقبت چه‌خواهد شد ؛ و ماازاین پریشانی کی رهائی خواهیم‌یافت ؟

وضع اقتصادی ما درصورتی اصلاح میپذیرد وافراد کشور ازفقرو بیکاری رهائی خواهندیافت که‌هرفرد فراخـور استعداد خود کار کند و کاراو نتیجه‌بخش بوده ثمره‌آن‌بخود اوواجتماع بر گردد و قوانین عادلانه ای نیز موجود باشد تا ازحقوق اکثریت افراد کشور که‌زحمت میکشند‌تولید میکنند و بوجود میاورند حمایت نماید ازحیث کار و استعداد مـا

میدانیم که‌ایرانی استعداد کـار کردن دارد وازعهده کارخوب هم‌بر میآید با اینکه ابزار و آلات کار او بسیار قدیمی است بازبا سرپنجه‌هنر نبوغ خودرا نشان

رجوع شود بصفحه ۶

نظری باوضاع داخلی

وبرنامه هفت ساله

درهرگوشه کشورماصدای ضجه وناله صدها وهزارهاافراد گرسنه ودربدری که تحت تاثیر احتیاج ناگزیر بر ترك زادگاه خود گردیده ودربیابانها ودرون‌شهرها و کنار کوچه‌ها سرگردان و بلاتکلیف مانده‌اند بگوش میرسد.

اخبار مهاجرت‌های دسته‌جمعی فرزندان زحمتکش این آب

بقیه درصفحه ۳

مسئله اورشلیم ورای سازمان ملل متفق

در حدود دوهفته قبل سازمان ملل متفق درآخرین جلسات دوره چهارم اجلاسیه خود رای باستقرار کنترل بین‌المللی دربیت‌المقدس داده‌و بـاین ترتیب نظر خودرا درباره موضوعی که تقریبا ازدو سال پیش درحال ابهام ور کودبود بطور قطع اظهار داشت .ولی درحین اخذ رای انگلیس‌وامریکا که یکسال‌پیش از طرفداران جدی طرح برنادت درباره استقرار کنترل‌بین‌المللی در اورشـلیم بودند ، این‌بار با این امر مخالفت کردند ودولت‌شوروی‌وطـرفداران آن‌بآن رای موافق دادند

همچنان که‌دوسال‌قبل‌درحین اتخاذ تصمیم در باره فلسطین دولتین امریکا و شوروی با وجود تضاد شدید سیاسی بین خود ، درموردتقسیم فلسطین وایجاد

بقیه درصفحه ۶

ارنست همینگوی

نویسنده کتاب «برای که زنگها بصدادرمیآید»

رجوع شود بصفحه ۵

سرانجام گتو

چگونه نازیها بشریت‌را تحقیرمیکردند ومبارزان راه ترقی در برابر آدمکشان می ایستادند ؟

درصفحه ۴

باید خود را

بتفکر علمی ومنطقی عادت دهیم

بقیه درصفحه ۲

از افکار یکفرد عادی ترجمه از ژورنال دوژروزالم

راجع به تجسس کشتی نوح

دسته «علمی» که به جستجوی بقایای کشتی نوح پرداخته ودرمرز ترکیه وشوروی مشغول تفحص بوده اخیرا بکارخود خاتمه داده‌است با اینکه مقصود کودکانه این کاوش جز تولید خنده برای شنونده نتیجه دیگری دربرندارد ولی باوجود این می توان ازآن موضوع قابل توجهی رادرك نموده ومورددقت قرارداد. درحقیقت این روزها اوضاع بین‌المللی بصورت تاسف‌آوری خود نمائی می کند و خوش‌باورترین افرد در نتیجه مشاهده جریان سیاست مایوس شده‌اند. خرابیهای ناشی ازجنك بشدت خودنمائی مینماید. ودرامریکا آثار ومقدمات بحران شدید اقتصادی بروزمی کندودراروپا آلمان باختری برای تولید خطر جدید سر بلندی نمایدومورد تقویت وپشتیبانی واقع می‌شودباوجودچنین جریانات تاسف‌آور این آقایان دانشمندا خیلی آرام ومانند اینکه هیچ جریانی دردنیا اتفاق نیفتاده‌است اقدام بمسافرت بسیار صلحجویانه! برای کشف کشتی نوح نموده‌اند. با اینکه مسلما یك چنین اکتشافی برای بشریت نتیجه مفیدونوی بدست نمی دهد ولی بااین حال می‌توان آنرا نسبت بکشف یك گازجنگی و یا نهیه یك بمب اتمی قوی‌تری ترجیح داد. اگر کلیه دانشمندانی که به این قبیل کشفیات ضد بشری پرداخته‌اند دست ازکارخودبر داشته و به جستجوی آثار کهنه‌عهد عتیق می‌پرداختندمسلما بزرگترین خدمات را بنوع‌بشر می‌نمودند!

مدت بسیار طولانی ازتاریخ کشتی نوح می گذرد. هنگامی که نوح بساختن کشتی خود پرداخت پیش بینی نمی کرد که روزگاری این آقایان دانشمند عمل وی را هدف اکتشاف ؛ خودقراردهند او در یك قطعه از کوه آرارات درمرکز ترکیه وشوروی بخاك نشست. افراد این هیئت باصطلاح علمی درضمن اینکه در هر سو بکاوش پرداختند دهقانان آن‌نواحی را مورد سوال قرار داده‌می پرسیدند «آیا شما چیزی که شبیه به کشتی باشد ندیده‌اید»

عکس‌العمل دهاتی دربرابر این‌سوالات معلوم‌نیست‌چه بوده است و گزارشات مختلف نیز دراین‌باره چیزی نمی گویندولی می توان بسهولت فهمید که آنان‌ممکن‌است‌ازاینگونه پرسشها اندکی متحیر شده‌باشند.

مسلما درافسانه‌هائی که ازنسلی به نسل دیگرانتقال می یابد راجع باین کشتی وبخاك نشستن آن‌در کوه آرارات خبری بگوش آنها رسیده است ولی ازشنیدن تا دیدن فاصله‌بسیاری‌است. من ازخود می‌پرسم که آیا این دهقانان کمکی به دانشمندان جوینده کشتی نموده‌اند یا اینکه ترجیح داده‌اند اسراری‌را که بصورت داستان از پدر به‌پسر برسد برای نقل درشبهای طولانی زمستان برای خود نگهدارند. بعقیده من شق ثانی بیشترمورد قبول می‌باشد یعنی دهاتی‌هائی که مورد سئوال‌واقع‌شده‌اندترجیح داده‌اند اگر چیزی راجع به کشتی می دانند بشکل اسرار نزد خود نگهدارند. ولی اکنون باید دیدکه اگر آنها اطلاعی‌از جریان نداشتند ومی‌دیدند این آقایان دانشمند بهرسو برای‌جستجوی متوجه می گردند ودائما سئوال موردبحث را تکرار می‌نمایند قیافه متعجبی پیدا کرده ونسبت به دانشمندان غربی نظری مسخره‌آمیز پیدا می‌نمودند. بهر حال من امید داشتم که این کشتی‌پیداشود تا بفهمم چگونه نوح دستگاهی ساخته است که بتواند مدت ٤٠ شبانه روز درمقابل باران مقاومت نماید.

البته‌این کشف بما کمکی می‌نمودوبا مشاهده‌آن‌باین‌موضوع واقف می‌شدیم که چگونه باید وسیله فراهم آورد که در مقابل طوفان آینده که می‌خواهنداین آقایان مکتشفین محترم به وجود آورنه خودرادرامان داریم.

بدبین

کسیکه گفت جهان جای آرمیدن نیست
خطاست گفته او ، قابل شنیدن نیست
بساخت شب‌پره در زندگی بظلمت یاس
که بر طلیعه مهرش مجال دیدن نیست
چنان بدیده بدبین جهان با عظمت
محقر است که جای نفس کشیدن نیست
بمغز خشك ندارد اثر نسیم حیات
که چوب خشك دگر قابل خمیدن نیست
هماره شاخه تر با نسیم می رقصد
سزای شاخه خشکیده جز بریدن نیست
هزار فایده در سیر ماه وخورشید است
ولی بچشم تو جز بیجهت دویدن نیست

بحث علمی

خود را به تفکر علمی

و منطقی عادت دهیم

در محیط ایران بواسطه بی‌مبالاتی‌اولیای امور ، اکثر افراد حتی بسیاری از افرادی که به‌باسوادی معروفنددرزمینه طرز تفکرو قضاوت در سطح بسیار پائین قرار دارند.

روزانه بابسیاری از افراد مواجه میشویم که درست مثل قرنهاپیش که بشر به‌پیشرفت‌های‌بزرگی‌در کسب‌دانش موفق نشده بود میاند یشند و با تعصبی تاسف آور روی مطالبی که در جهان امروز علم عدم صحتش مثل‌آفتاب‌روشن است پافشاری میکنند.

یکی از وظایف روزنامه خوب‌در وضع فعلی این‌است که سعی کندخوانندگان خودرا به تفکر درست و منطقی‌آشنا سازد و پیشرفتهای علمی را درزمینه های مختلف با زبان‌ساده و قابل فهم برای آنها تشریح نماید.

در این ستون روزنامه که ما آنرامخصوص مطالب علمی‌وفلسفی نموده‌ایم کوشش‌خواهیم کرد تا جائیکه ممکن‌است مسائل مهم که‌در جهان علم و فلسفه جای اساسی‌دارند توضیح داده شود.

واضح است افرادی که تفکر و عمل‌خود را نه‌بر پایه خرافات وخیالات واهی بلکه بر اساس منطق‌علمی‌بنا نهند در زندگی از همه لحاظ ارزش بیشتری کسب‌خواهند نمود. آنها خواهند توانست‌مسائلی را که درحیات روزمره‌با آن مواجه میشوند بآسانی حل کنند و درقبال مشکلاتی که در جلوی‌آنها پیش می آید صحیح‌ترین راه را انتخاب‌نمایند. اگر کسانی تصور کنند که آشنائی به‌مسائل فلسفی وعلمی برای همه کس لازم‌نیست وفقط افراد معدودی‌میتوانند ازآن برخوردار شوند اشتباه بزرگی میکنند.

چنین افرادی که‌ممکن است بعضی دانشمند نمایان نیز در بین آنها باشند ادعا دارند که مغز افراد عادی قادر نیست مسائل علمی و فلسفی را حل کند و استعدادچیز فهمیدن‌وفکرمنطقی کردن‌درانحصارافرادمعدود و مغزهای‌مخصوص‌است‌این طرز تفکر که‌تکبرو تبخترمسخره آمیزی نیز باآن همراه است‌بکلی‌باحقایق امر منافات دارد.

اگر شمامی‌بینید که اکنون اکثر مردم‌سوادندارند و از مسائل علمی سر درنمی‌آورند در اثر نداشتن استعدادنیست. استعداد چیز فهمیدن ، درك کردن قضاوت صحیح داشتن و دانشمند شدن‌را باید برای‌همه کس قائل‌شد.

همگی بشرند و ساختمان مغزی و استعداد های آنها باکم وبیش تفاوتی دریك‌ردیف‌است مسئله‌دراین‌است که‌بواسطه وضع و مقتضیاتی که از لحاظاجتماعی موجود است موانع بسیاری در راه بسط فرهنك عمومی پیش آمده و افراد مردم را از کسب‌دانش و معرفت بازداشته‌است.

اما افرای که فدای محدودیت ها و موانع اجتماعی شده و اکنون از لحاظ دست یافتن به گنجینه بزرك دانش و علم خود را فقیرمیبینندنباید بهیچوجه تحت تاثیر تبلیغات‌ناصحیحی که‌علوم و فلسفه را انحصار دسته و افراد مخصوصی نشان میدهد قرار بگیرند. آنها همه وقت‌اگر خود بخواهند وجدیت ومراقبت کنندمیتوانندعلی‌رغم‌فشار ها و تضییقات اجتماعی دراین‌راه پیش بروند و تااندازه قابل توجهی‌موفق شوند.

دانش بمنزله اسلحه مبارزه زندگی است : تفکر منطقی راه درست‌زیستن را بما نشان میدهد قرن ما ، دوره‌ایست که مطالب علمی و فلسفی بیش از همیشه بازندگی روزانه مربوط شده است.

توجه به‌درك حقایق دانش امروز افکار عمومی را در همه کشورهای متمدن بخود جلب نموده است. کتابهائی که حقایق علوم را بزبان ساده دقیق‌برای مردم عادی شرح میدهد پشت سرهم بچاپ میرسد و مورد استقبال زیاد قرارمیگیرد.

روزنامه ها یك قسمت برجسته خود را وقف تشریح علوم و پیشرفت‌های آن میکنند.

فیلم‌های علمی مورد توجه قرار میگیرد البته اگر راه ابراز میل وعلاقه مردم بوسیله مقررات شدید وتضییقات اجتماعی سدنمی شد ، اگر کارها دردست آنهائیکه میل به با سواد شدن و چیز فهمیدن مردم ندارند نبود آنوقت معلوم میشد که مثلا درکشوری مانند وطن ما ایران تا چه‌اندازه به کسب دانش و معلومات اظهار علاقه‌میشد.

مردم‌ایران بی استعداد نیستند. آنها هروقت در طول قرون فرصتی بدست آورده‌اند ثابت کرده‌اند که میتوانند حتی به ذخائر عظیم معلومات بشری بیافزایند. میتوانند کتاب بزرك علم و فلسفه را قطور ترسازند. چه‌پیش آمده است اکنون اکثریت ملت ما درحال جهل و نادانی بسر میبرند؟ آیا در اثر این است که تفاوتی در استعداد هم میهنان ما حاصل شده است؟ مسلما نه. علت حقیقی این‌است که باندازه‌ای اکثریت مردم زیر فشارها و تضییقات‌اجتماعی قرار میگیرند که استعدادهای موجود کشته میشود.

البته بایدکار کرد تا محیط استعداد کش جای خود را به محیط پرورنده استعداد بدهد.

اما روز نامه‌ای که در همین وضع هم منتشر میشود لازم است تا آنجا که میتواند برای آشنا کردن افکار عمومی به راه درست تفکر و تعقل وعادت دادن آنها به تفکر علمی و منطقی بکوشد. چنین است وظیفه‌ای که ما در این ستون آنرا بعهده گرفته‌ایم.

بمناسبت ایام

بقیه از صفحه ۲

گرفتار زجر وشکنجه بوده آنتیو کوس معروف به‌اپیفان، حکمران تهار شام‌دست به کشتار دسته جمعی یهودیان زده بود. او تصمیم گرفته بود ملت تسلیم‌نشدنی یهودرا بصورت غلام و برده‌اشراف یونانی در آورد و برای اجرای این منظور دستور داده بودفرهنك ملی وآداب‌یهود را از بین ببرند و شعائر و سنتی ویرا نابود و مضمحل سازند. کوچکترین مقاومت دربرابر فرمانهای ظالمانه وی منجر به اعدام دسته جمعی مردان وزنان و اطفال خرد سال میگشت.

هر کس به بت معبود یونانیان سجده نمیبرود و باحترام ژوپیتر قربانی برپا نمیساخت مرك را استقبال مینمود جلادان یونانی مادرانی که در پنهانی پسران نوزاد خود را ختنه نموده بودند در حالیکه‌فرزنداشان بگردنشان آویخته شده‌بود از بالای برج مرتفعی به پائین پرتاب میساختند ، مادری «بنام حنا» که حاضر نشده بود فرزندانش در برابر خونخواران تسلیم گردند و آنان را مخفیانه برای‌تحصیل فرهنك وزبان ملی خود به‌مکتب‌فرستاده بودهفت فرزندانش‌را در مقابل دیدگانش سر بریدند ولی کوچکترین خلل وفتوری در اراده وی دائر به‌عدم تسلیم به ظلم وشقاوت‌ظاهر نگشت.

هر قدر فشار و محرومیت ملت افزایش می یافت‌نیروی‌مقاومت‌و پایداری نیز شدید تر میگشت.

ظلم هراندازه افزوده‌تر میشدعلاقه به‌آزادی و استقلال در بین مردان‌وزنان یهود‌بیشتر روبتوسعه میگذاشت.

این یك اصل کلی است که برای کلیه‌اقوام‌وملل‌صادق است. اگرمقاومت مردم نمی‌بود اکنون می بایستی هنوز بشریت‌در دوران غلامی‌و بردگی‌زندگی کند. بزرگترین‌عامل تغییر دهنده‌وضع اجتماع نیروی مردمی‌است که تحت‌فشار شدید قرار گرفته وسختی و محرومیت کشیده اند وبنا بر این تشنهٔ تغییروضع طاقت فرسائی هستند که درجامعه‌حکمفرما می باشد

بهرحال با اینکه چنگال خفه کننده نیروی اشغال کننده یونانی گلوی‌مردم را فشرده‌بود نهضت‌وجنبش ملت‌همه‌جارا فراگرفته و بدهات وقصبات عقب‌افتاده نیز نفوذ نموده و توسعه پیدا کرده بود متتیای کهن و فرزندان رشیدش اولین کسانی بودند که مردم را علنا باتحاد و جنك بر علیه سربازان یونانی که به دهکده مدائین‌برای برده ساختن‌مردمان ساکنین آنجا رفته بودند دعوت نموده وبهمراهی گروه کثیری از مردم آزار دیده برای کوتاه نمودن دست دشمن و رفع ظلم و ستم قدم به پیش گذاشته. «متتیا» پیربودولی علاقه به زندگی آزاد به او نیرو می بخشید.

جنبش همراهان‌خود را تاآخرین نفس اداره نموده. آخرین‌سال‌زندگانی باشرافت خود را درحال جنك با نیروی ظلم و شقاوت در کوههای «یهودا» بسر رسانید.

بعد از او رشید ترین فرزندش «یهودای مکابی» تارسیدن به‌نتیجه نهائی ومنکوب‌نمودن دشمنان ملت‌ازپا نایستاد. نیروی کوچك و درعین حال از لحاظ روحیه قوی را که تعدادشان از ششهزار نفر تجاوز نمیکرد رهبری نمود.

این‌نیروی متشکل بهدف و آینده خود ایمان داشت و چون برای حفظ‌جان و خانه آزادی خود میجنگید توانست فرمانده بزرك یونانی «لیزیاس»را که دراثرشکستهای پی‌درپی‌خشمناك ودرنده تر ازپیش‌شده‌بود با ٤٠٠٠٠ نفرلشکریانش مغلوب نماید و خانه و زادگاه خودرا

بقیه درصفحه ٦

نظری باوضاع داخلی

بقیه ازصفحه ۱

وخاك هرروز درتمام جراید پایتخت منعکس میگردد.

مردمان مصیبت‌زده‌وسائل بکف آذربایجان که ازقحط‌وغلا بجان رسیده‌اند دسته‌دسته باتمام مظاهرزندگی که‌آنها را باخانه وخانواده وبادگاریهای اباء واجدادی پیوند میدهد بدرود گفته و برای پیدا کردن ملجاء وپناهگاهی بمرکز روی‌می‌آورند ودراینجا نیز بلاتکلیفی بیکاری وبالاخره‌مرك سیاه در کمین آنها است وهمه رادرکام خود می‌بلعد

مشهد امروز مرکزاجتماع هزارها وهزارها مردم‌تیره‌بختی است که اجبارا دست ازکار وپیشه خود کشیده، دهات ومزارع را رها کرده وخود برای یافتن تکه‌نانی دراین شهر روز کاری‌بشکدی میگذرانند ودرپشت‌سرآنها این‌دهات ومزارع بدست‌ویرانی‌بیشتری سپرده میشود.

هرروز اخبار هول‌انگیزی ازشیوع روزافزون بیکاری‌وفقر درنقاط‌مختلف کشور بگوش میرسد. بحران شکننده‌ای سراسربازار ایران رافرا گرفته‌واقتصادیات کشور را بیك‌آینده‌تیره‌وهولناکی تهدید میکند.

درقبال تمام این مصیبت‌ها ومشکلات روزافزون که تمام شئون اقتصادی واجتماعی‌وسیاسی مارا دربر گرفته است اولیاءامور کشورما مانند آن تاجر قماربازی که‌تمام مایه وهست ونیست‌خود را در گرو یك‌خال گذاشته باشد، درمقابل هرمصیبت وهردرد و هرمشکلی‌ببرنامه هفت‌ساله متوسل‌میگردند وسعی دارند این‌برنامه را مانند خرزبود جانه برای رفع تمام بلاهای ارضی وسماوی بکار ببرند و کلیه امیدها وآرمانهای‌توده‌های رنج‌دیده ومفلوك‌ومحروم کشور رادراین برنامه متمرکز سازند.

دراین برنامه همه‌چیز گنجانیده شده: ازنظافت خیابان‌های تهران، تاسدبندی‌رودکارون، تاتوسعه‌وترویج صنایع جدید، تاتامین بهداشت وفرهنك‌ونان، خلاصه‌تمام نقایص‌ومعایبی که‌درطول‌زندگی پرازرنج مردم کشورمابنظر رسیده وجلب‌توجه کرده است‌دراین برنامه مطمح نظرقرار گرفته ودرقبال آن چاره‌جوئیهائی‌پیش‌بینی گردیده است.

اتفاقا اشکال کارهم درهمینجا است. زیرا فعلا هرراه مفیدی بروی مردم بسته‌شده تاتنها راه‌این برنامه هموار شود و باینجهت است که باید گفت شکست وعدم موفقیت دراجرای این برنامه بسیارعظیم وشکننده ودارای عواقب بسیار وخیم خواهد بود.

ازآغاز اجرای این برنامه هفت‌ساله تاکنون در حدودیك سال میگذرد ودرطول این‌مدت هیچگونه موفقیت شایان توجهی نصیب‌مجریان آن نگردیده، وفعلاهنوز جزهمان مخارج تشریفاتی جزبودجه سنگین سازمانی آن، جزحقوقهائی که بمستشاران‌خارجی وناظرین اجرای برنامه‌پرداخته میشود آثار امیدبخشی ازآن‌بظهور نرسیده واگر اخباری را که در روزنامه‌ها گاهگاه انتشار می‌یابد باور کنیم فعلا برنامه هفت‌ساله بپول مهرایران وسیله‌ای شده‌است برای تراشیدن پست‌های نوظهورازقبیل اداره امور قهوه‌خانه‌ها، اداره بخش عمق دریاها، اداره تشخیص ماهیها وغیره. تنها ازگاه بگاه خبری از موفقیت های مقدماتی در این برنامه در بعضی جراید منعکس میگرددومردم‌را بواردشدن کارخانجات‌سبك ازقبیل‌قندسازی وبالنتیجه‌ازدیاد کارنویدمیدهندولی آنچه مردم کشور ماعملا در مقابل خودمی‌بینداینست که‌کارخانجات‌وبنگاههای موجوددراین کشوریکی‌بعداز دیگری تعطیل میگردندو کارگران‌دسته‌دسته بیکارمیشوندوزنها وبچه‌های آنها درآغاز زمستان سرد بگروه بیشمار آوارگان و گرسنه‌های‌میهن مااضافه میگردد ودر گیرو دار این‌پریشانی و گرسنگی وقحطی و درحالی که باقبول هزاران منت ازهمسایگان ۵ یا ۱۰ هزارتن گندم ازآنها خریداری شده وبا خون جگر بنقاط قحطی زده حمل میگردد در تمام روزنامه‌ها این خبر حیرت‌انگیز و وحشت زا را می‌خوانیم ۲۵ هزارتن گندم دربنادر جنوب ایران درحال پوسیدن و سبز شدن در ته انبارها میباشد ومردم بناچارازخود میپرسند این دستگاه‌عریض وطویل این مدعیان اجرای برنامه هفت‌ساله‌اینها که درهر جاسفره‌ای گسترده باشد مانند عقاب بدورآن حلقهٔ میزنند چطوراست که در قبال این مردم تیره روزگار کوچکترین حس مسئولیتی در خود احساس نمی کنند بلکه بی‌اعتنائی آنها بحیات وزندگی مردم اغلب بجائی میرسد که مردم بناچار فکر میکنند اینها مامورتخریب‌هستند وجز تهیه وسائل انقراض یك ملت هیچ وظیفه ای برای خود نمی شناسند.

میتوان گفت تنهااثر عملی که ملت ایران ازاین برنامه‌دیده نقطمر بوطبه نیازمندیهای‌ارتشی‌وتسلیحات نظامی‌است‌چنانکه‌درهفته‌قبل‌اکثر روزنامه هااعلام‌داشتند که‌تمام اسلحه‌های‌خریداری‌شده‌ازامریکابه‌تهران رسیده‌ودرروز ۲۱ آذرنیزمردم‌تهران‌ناظررژه‌این‌اسلحه‌های‌نوین‌بودند.

اشکال تنها این‌نیست که قدم اساسی وموثری بسود مردم کشورما تاکنون برداشته نشده بلکه نگرانی اساسی ازاین ناشی‌می گردد که معلوم نیست درآینده سرنوشت این برنامه چه‌خواهدبود. زیرا متاسفانه بایدگفت ازهم اکنون آثاریك‌مبارزه بسیارسخت‌وشدید وعمیق بین دودولت ثروتمند وقوی پنجه‌درسراسر شرق میانه‌ونزدیك در گرفته که خواه ناخواه آثار خودرا درکلیه مظاهر زندگانی ما و منجمله دربرنامه ۷ ساله بخشیده‌است.

اختلاف شدیدی که‌بین دستجات مختلف اولیاء امورماایجاد گردیده وهریك ازآنها سعی دارد این‌برنامه رابشکل مخصوص‌بخود اجرا نماید بمراز ات مبارزه شدید بین دوقدرت بزرك مزبور پیش می‌رود وتوسعه می‌یابد.

عده‌ای اینطور استدلال میکنند که اجرای این برنامه فقط باید بوسیله ذخایر ایران درشرکت نفت واز محل درآمد ما بابت عوائد نفت صورت‌پذیر گردد.

این‌عده سعی دارند نظریه خودرا بمنزله‌ملی‌ترین طرزاجرای برنامه هفت‌ساله جلوه دهند ووانمود سازند که به‌اینطرز استقلال اقتصادی ایران محفوظ مانده وما مجبور نخواهیم بود دست‌نیازبسوی دیگران دراز کنیم وآنها رادر سرنوشت خوددخالت دهیم.

زیرا هرگونه وامی که ازطرف امریکا بایران داده شود همراه باتقیدها و مقاصد سودجویانه خارجی خواهدبود که همواره‌از طرف سرمایه‌داران امریکائی درهر کجا تعقیب میگردد و آنچه مسلم بنظرمی‌رسدو دولت‌مزبور نمیتواندباتوسعه صنایع‌سنگین وحتی سبك‌در ایران موافقت نظرداشته باشد بلکه میخواهد ایران پیوسته بشکل یك بازاو مصرف کننده محصولات درجه دوم وسوم امریکائی باقی بماند تاناچیزترین کالای فنی و بی‌مصرف ساخت کارخانه‌های امریکا به سهولت درآن بفروش برسد به اینجهت بهترین راه چاره‌آنست که ذخیره هائی که در شرکت نفت داریم بمصرف اجرای این‌برنامه برسد و در صورت لزوم از محل عواید آینده مساعده هائی دریافت نمائیم.

متقابلا عده‌ای دیگر استقراض ازامریکا وبانك بین‌المللی را بنفع ایران وانمود میسازند اینهااظهار عقیده میکنند که بدون کمك دولت ثروتمندی مانند امریکا اجرای چنین برنامه وسیع وغول‌آسائی امکان پذیر نیست وخرج کردن ذخیره‌ای که درشرکت نفت داریم و گرفتن وامی ازاین شرکت واو تحت عنوان مرعده ازمحل درآمد آینده باشد جزاینکه بازهم این‌شرکت رادر سرنوشت کشورمامسلط نگاهدارد وبه‌بر براز ماجرای آن بیشتر ادامه دهد نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت وبا چنین تعرضه‌ای مامجبور خواهیم بود منابع زرخیز کشور خودرا بیش‌از پیش‌دراختیارشرکتی‌قرار دهیم که‌میزان‌حسن‌نیت آن‌رادرطی‌سالیان‌دراز آزموده‌ایم‌وازسیاست‌جابرانه‌ویك جانبه‌وبرنیرنك آن‌رنجشهای‌عظیم‌دردل‌داریم ومیدانیم که‌مسئول‌قسمت‌اعظم‌تیره‌بختی های‌مردم کشور مادرطی سالیان‌دراز گذشته همین سیاست تجاوز آمیز شرکت‌نفت‌میباشد.

ازطرف دیگر مشاهده میشود که‌مقارن بااین مبارزه شدید بین‌این‌دو دسته درداخل کشور که‌تغییرات وتبدیلات‌پیاپی مدیران ومجریان برنامه انعکاسی ازآن‌میباشد دریك دایره‌وسیع‌تری‌بین دو کشور مقتدر وثروتمند انگلیس‌وامریکا گفت‌وشنودهائی‌وازی بااین اختلافات در گرفته و دریکجا سرمایه داران ومعامله گران امریکا منتهای کوشش خودرا بکار میبرند که‌تسلط‌خودرا دربازار های‌ایران توسعه دهند و رقیب خویشرا ازمیدان بدر نمایند ودر این‌راه ازبذل هیچگونه مساعی خود داری ندارند و از هیچگونه و از هیچگونه تبلیغات دامنه‌داری رو گردان نیستند ودرهمان‌حال‌وزیر دارائی بریتانیا بی‌دربی تاکید میکند که‌بازر گانان و کارخانه‌داران بریتانیابایدسعی کنند وباب‌بازارایران‌کالاهائی تولید نمایند وکالاهای خودرا باقیمتی‌متناسب بابهای جدید لیره بمعرض فروش درآورند و بازار این کشوررا از دست امریکائیان بکلی خارج ساخته در دست نگاهدارند.

حتی ازاین‌هم گذشته‌عده‌ای ازروزنامه هاومجلات انگلیسی شیوه‌سابق‌خودرا مبنی براانتقادازهیئت حاکمه‌ایران ازسر گرفته‌اند وباردیگر بیان وزیر خارجه کابینه‌چرچیل مبنی‌براینکه ملت‌ایران ازبریطانیا رنجش عمیق دارد وعلت‌آن نیز طرفداری ما دستگاه حاکمه نالایق ایران میباشد باردیگردر روزنامه‌ها منعکس‌میگردد درصورتی که مدتهابود بریتانیا این قضیه‌را فراموش نموده‌بود.

یکی‌از آثار دیگر مبارزه این دو نیروی عظیم شرق میانه عکس‌العملی بود که بریتانیا درعراق و ایران از خود نشان‌داد. باین‌معنی که‌درست درآن‌موقعیکه‌اکثرروزنامه‌های‌ایران‌اخبارمربوط بپذیرائیهای باشکوه دولت امریکا رااز شاهنشاه منعکس‌میساختند ناگهان تصمیمی ازطرف دولت عراق درمورد اتباع ایرانی ساکن عراق گرفته‌شد وعکس‌العمل آنی و فوری آن‌تصمیمی بود که در ایران باوجرد پذیرائی بینظیری که‌همین دوماه‌قبل ازنایب‌السلطنه عراق شده‌بود برای‌اخراج اتباع عراق اتخاذ گردید ومقارن این شایعات ناگهان خبرمزبور درد نیای خارج باین صورت در آمد که دولت ایران روش ضدیهود دو پیش گرفته و یهودیان عراقی ساکن ایران‌را خارج میکند.

بدیهی‌است این گونه شایعات در گیرودار مسافرت شاهنشاه بامریکا نمی‌توانست درمحافل‌سرمایه داران امریکا تاثیرمطلوبی داشته‌باشد وبرای‌این‌بود که‌آنها را نسبت بایران‌ظنین واز آینده سرمایه های‌خود بیمناك‌سازد.

دربحبوبه این‌اختلافات و مبارزات است که‌برنامه‌هفت‌ساله بمنزله یگانه داروی تمام دردهای ملت ایران‌ادایش‌داده‌میشود و طرزاجرای‌آن نیزبهمان‌نهجی‌است که‌مشاهده کرده‌ایم. باین‌ترتیب ملت ایران‌تاچه حدمی تواند امیدخودرا باین‌برنامه ببندد؟

پایان جنگ

بقیه از صفحه ۱

بارتیزانی تبدیل کرده است»

اکنون در برابر کمونیستهای چین دودومنطقه‌مهم‌اشغال‌نشده‌وجوددارد وتحت تسلط امریکائیها ومستشاران نظامی‌آنها میباشد. اولی تبت و دومی فرمز میباشد.

در اوائل اکتبر هنگام انعقاد جلسات مجلس مشورتی سرتاسر چین در پکن، ژنرال چوئه فرمانده کل‌قوای کمونیست طی نطقی خطاب به مجلس مشورتی هنگام اشاره بوظائف آینده «ارتش نجات ملی» آزاد کردن تبت و فرمز را ضروری شمرد.

درتبت که‌اسما ورسما جز مناطق تحت حاکمیت امپراطوری چین بود، از اواخر قرن نوزدهم باینطرف نفوذ انگلستان ریشه افکنده است و دولت مرکزی چین جز حکومت رسمی هیچ گونه قدرت عملی در امور آنجا نداشت.

از این رو شعار آزاد کردن تبت ازطرف ژنرال کمونیست، باعث‌خلجان و اضطراب انگلیسها شده است. زیرا که‌باافتادن تبت بدست کمونیستها، حفظ هندوستان از داشتن تماس مستقیم بایك کشورنیرومندجبهه‌مخالف‌افسانهٔ بیش نخواهد بود.

بعلاوه مهارجه نشین «نپال» که خود کشور «مستقلی» بشمار میرود در تماس مستقیم با تبت میباشد. هم دولت هندوستان هم‌بریتانیای کبیر از تاثیر کمونیسم‌درمیان‌قبایل ناراضی این منطقه کمال‌وحشت را دارند.

مندرجات جرائد انگلیسی در این اواخردرموردافتادن تبت‌بدست‌کمونیست هامعرف این نگرانی است.

از طرف دیگر امریکائیها که پس ازدادن نفوذ خود درقاره چین میخواهند پایگاه مناسب‌و نزدیکی‌درجزائر اطراف قاره آسیا داشته باشند از انتقال‌فرمز بدست کمونیستها سخت ناراضی‌میباشند.

بطوریکه میدانیم جزیره فرمز از اوائل قرن بیستم تحت اشغال ژاپنیها در آمده‌بود و پس ازجنك اخیر با موافقت انگلیس و امریکا و شوروی مانند تمام اراضی دیگر چین به‌آن کشور اعاده شد.

اخیرا در بعضی محافل امریکائی اظهار نظر میشد که چون پیمان صلح با ژاپن هنوز منعقد نشده است مسئله فرمز نیز باید تاعقد پیمان مزبور معلق بماند و امریکا این جزیره راتا آن موقع از افتادن بدست کمونیست های‌چین‌محفوظ بدارد.

ولی امریکا برای توسل به این عمل موافقت انگلستان و فرانسه‌را نیز لازم‌داشت. درصورتی که دولت انگلیس که‌ازمدت ها پیش درتحت فشار شدید دست چپیهاازیکطرف و صاحبان‌سرمایه های هنگفت انگلیسی‌درچین قرار گرفته است‌ومیخواهدبهروسیله‌ای هست‌استقرار خودرا درهنك کنك محفوظ نگاه دارد. جمدا ازدست زدن بعملیات خیلی تحریك آمیز بر علیه دولت کمونیست چین‌خود داری میورزد.

بعلاوه در شمار شرائط هشتگانه معروف مائوتسه تونك دائر به استقرار روابط سیاسی باکشور های خارج یکی هم شناسائی و محترم شمردن تمامیت ارضی‌چین ازطرف آن کشورهاست. واز اظهارات چوئه در مجلس مشورتی چنین برمی‌آید که دولت مائوتسه تونك فرمز رانیز در داخل کادراین‌تمامیت ارضی می داند.

امادولت‌فرانسه دراثر سرعت‌تحول اوضاع در جنوب چین و بعلت خطر تقویت نهضت هوشی‌مین درویتنام پس

بقیه درصفحه ۸

سر انجام گتو (۱)

چگونه نازیها بشریت را تحقیر میکردند و مبارزان راه ترقی در برابر آدمکشان می ایستادند ؟

«هوست» فرمانده گتو ازتشنگی می‌سوخت ، گماشته‌اش هنوز تنگ راآب نکرده بود. وقتی آب میخورد برجستگی بزرگ گلوی‌او بر گردن درازش حرکت میکرد. هوست لاغراندام بود، رگهای صورتش بشکل لکه‌هـای بنفش کثیف نمایان بود قبل‌از جنگ در دادگاه کاسل بکار اداری مشغول بود . شب‌هـا پس‌از خوابیدن زنش داستانهائی‌درباره آشوری ها می‌نوشت ، فشاردائم زندگـی اورا روز بروز لاغرتر میکرد . لیوان های آب‌را پشت سر هـم سرمیکشید از صدای خروپف زنش بخود می پیچید . داستانهـا را با پست سفارشـی باداره روزنامه‌ها میفرستاد ولی همیشه آنهارا همراه با نامه‌ای حاکی‌از عذرخواهی و از اینکه فعلا در روزنامه ستونی برای درج داستان او نیست پس میگرفت،بوی دوا و کلم‌در اطاقش‌موج‌میزد .بازرگانان کاسل دائما ازعدالت دم‌میزدند واو با مواد قانون بازی میکرد .بعدا‌داستان هائی درباره فاتحین جنگ ، اسیران‌زیبا، غروب خونین آفتاب ، بر ریگزارهای خشک مینوشت .

باو مـاموریت داده بودنـد گتو یکی‌از شهرهای کوچک لهستان‌راتصفیه کند . او میبایست شانزده هزار یهودی را ازبین ببرد . برای کشتن آنها بیک بار ،احتیاجی بعلم‌وتکنیک مخصوص‌نبود. ولی هوست راه تدریج را پیش گرفت او میخواست کار را‌با صبر وحوصله فیصل‌دهد - آنهائی‌را که تشنه زندگی بودنداعدام میکردو کسانی‌را که آرزوی مرگ‌داشتند محکوم بزندگی می نمود ، مردمان مجبور بودندبرلب گورهای‌خود بایستند . سربازان کلنگدن تفنگ هارا بصدا در میآوردند .هوست قیافه های وحشت زده را مدتی تماشا میکرد سپس یکبار فرمان می‌داد : «شروع کن !»

بیاغبانی گفته‌بود : «باغچه را گل‌کاری کن !» باغبان بیچاره ازشادی‌خندان شده‌بود بخیالش مورد عفو قرار گرفته هوست بلافاصله دارش زده‌بود .

۱ – محله یهودیان در آلمان و کشورهای تحت اشغال‌آن که‌بصورت بازداشتگاه زجر وشکنجه درآمده‌بود

اعدام های رنگارنگی ابتکار میکرد ، کسانی‌را از گردن‌می آویخت عده‌ای‌را با اصطلاح خود درسبد هـا زنده بگور می کرد سر آنـهـا را از خـاک بیرون می گذاشت .

بچه های یك ساله‌را بیك باراعدام کرد.

پس‌از کودکان‌نوبت سالخورده‌ترین افراد رسید . این شخص ،نود وچهار سال داشت به دم اسبی بسته شد .

روزی تلگرافی از (کاسل)دریافت داشت ، زنش بمناسبت روزتولدش به‌او تبریک گفته بود . خوشحال شد ودستور داد تمام همسالان زنش‌را بکشند بنوای موزیك‌كليسا و آهنگهای جاز حکمهای اعدام را اجرای‌نمود .

قربانیان‌خودرامجبور میکرد برقصند به بچه ها اسباب بازی می‌داد . بر سر دختران جوان روبان های رنگارنـگ می‌بست به پیران دستور میداد ریشهای خودرا شانه زنند . «شما تاه‌دقیقه دیگر بحضور خدا میروید . باید لایق‌شرفیابی حضورش‌باشید»

روز هارادوقسمت کرد : روزهای جفت را بشکنجه ترس و روزهای‌طاق را به شکنجهٔ امید تخصیص داد . قسم میخورد که مجازات اعدام ملـغی شده کمیسیون صحی تشکیل می‌داد تا وضـع گتو رابهبودی بخشد . کلبه های‌تازه ای بنا می کرد . عمدا نامه هـا ئی گم می کرد . در این نـامه هاقید شده‌بود که‌از اعدام یهودیان خود داری شود . برجستگی گلویش باتشنج تکان میخورد زبانش را بر روی لبان خشك وتلـخش می کشید .از احتمال‌خاتمه جنگ‌هراسان بود . میترسید که باز در میان خر و پف زن‌وبی اعتنائی دنیا مجبوربنگارش داستان‌های بدشگون خویش شود .

دانشجوی راد و مکی را که‌بفکر فرار افتاده بودتیر زدند هوست دستور داد اورا دریك انبارخالی محبوس کنند جراحت(رادومکی) متعفن شده و کرم گذاشت .

به این ترتیب تمام گتوتدریجا از بین میرفت .

زنها در حال وضع حمل میدانستند که کودکانشان قربانی خواهند شد.

پیرمردان درحالیکه تورات بدست دعا می کردندازخدا آرزوی‌مرگ‌میکردند آن هامی گفتند که این شکنجه ها کفاره گناهانی است که مرتکب شده‌اند واز این بلاهافقط بر گزیدگان رهائی‌خواهند یافت . یکی از آنها غوغابرآورد که



((بزودی خورشید سرد شده مسیح‌ظهور خواهد کرد)) مؤمنین روزه" میگرفتند شب‌زنده داری میکردند . عده ای‌توازن عقلی را از دست داده بودند جست‌وخیز کرده هذیان میگفتند .

لویت‌زیست شناس معروف‌میکوشید کتابی را که قبل از جنگ شروع کرده بودبپایان برساند.صفحاتی که‌روز نوشته بود شبها خاك می کرد .

جوانی ۱۷ ساله‌به‌لیا دختر لویت گفت : « لیا چقدر دوستت‌دارم !» بعد خندید و گفت :

«فردا باهم زنده بـگور خواهیم شد» .

آفتاب میزد- آفتاب غروب‌میکرد روزهای‌فردروزهای‌زوج‌رادنبال‌میکردند هوست آب می‌خوردو درلیست‌مخصوص بروی نام‌کسانی که‌لازم بود اعدام‌شوند خط میکشید از شانزده هزار ساکنین گتو فقطاسم پنج هزار نفر خط‌نخورده بود .

امید وار بودن حتی بر لب گور از خصائص انسان است.مؤمنین امیدبر خدا بسته بودندآنهائی که ایمان‌محکم نداشتند به وعده روز های طاق هوست دلخوش بودند :

« اودستور داده است دیگر کسی را اعدام نکنند » در گتو کسی اسم هوست رابزبان نمی آوردفقط میگفتند: «او»

اشخاص قوی و مغروری هم بودند اینان نه به آسمان ونه بمرحمت هوست امیدی نداشتند (کوگان) مکانیسین در راس این عده شکست‌ناپذیر بود هوست زن (کوگان) را با دوبچه‌اش کشته‌بود

برای کوگان در جهان چیزی جز کینه ونفرت‌باقی‌نمانده‌بوداز دیدن‌آسمان‌بهاری نهالی که‌اتفاقادر گتوروئیده‌شده بودزیبائی و ظرافت «لیالویت» کینه‌قلبیش‌قوت‌می گرفت پیش ازجنگ مردی چون‌دیگران بود . همراه کارگرها اعتصاب می کرد،عرق میخورد ، به سینما علاقمند بود. چشمان خاکستریش تیره تر شده و خشونت از آنهامی‌بارید . وقتی حرف میزدمادران فرزندان خود رابه سینه می‌فشردند .این وجدان گتو بود که بزبان اوسخن میگفت کوگان‌يك گروه‌شورشی تشکیل‌داد او می گفت :

سعی می کنیم خودرا از گتو رها کرده بـه پارتـیزان ها ملحق شویم . نمیگویم کاملا موفق خواهیـم شد ولی اگر نتوانیم اسلحه بدست آوریم یقینا صد ها نفر از دژخیمان را خواهیم کشت

بجای اینکه گوسفندوار از بین برویم مثل‌سربازان کشته خواهیم شد

صد وهفتاد نفر هم قسم شدند :

پرفسور لویت و دخـترش ایزن ویولونیت معروف ،هفت برادر شمعون، العازار تنومند ، گروهبان سابق ارتش لهستان،وروبن پیر جزء این گروه‌بودند تفنگها ای از سربازان مجار خریدند . مسلسی با چند نارنجك‌تهیه کردند .قیام به ماه مه موکول شد روز ۱۷آوریـل هیبه معاون فرمانده هوست گفت:

((کروك ساز فقط اسم یکی را گفت و مرد))

هوست جوشی شده گفت : ((شما را باید بدادگاه تسلیم کرد !))

هشت ماه است کارمی کنید هـنوز نمیتوانید محبوسی را چنانچه لازم است استنطاق کنید ...))

(سیلیك) کروك ساز عضو گروه شورشی‌بود تمام شب را شکنجه‌اش‌داده ونیمه جانش را بر صفحه آهنی‌داغ شده خواباندند . هیبه با دستمال جـلوی بینی خودرا گرفته‌بود بوی سوختگی - گیج کننده‌ای بر میخاست کروك ساز اسم کوگـان را برده بیهوش شد و قبل از اینکه بحال‌عـادی‌برگـردد جان سپرد.

هوست تنك راخالی‌کرد :دهنش همیشه بد مزه‌بود به گتـو رفت تمام یهودیان را احضار کـرده گفـت بایستی کوگان قبل از ساعت ۹ شب‌دم دروازه حاضر شود -اگر مخفی شودیا انتحار کند و یا حتی کشته شود فرمان خواهم داد ساعت نه شب تـمام‌ساکنین

گتو را قتل عام کنندهوست‌نگاهی بساعتش انداخته‌و گفت : ٤ ساعت‌وقت دارید تصمیم بگیرید انتخابش باخودتان است کوگان رادستگیر نمائید یا دعای قبل از مرگتان را بخوانید .

این را گفت بقرارگاه مراجعـت نمود — سرش دردگرفته بود از غیظ بخودمی پیچید چرا که مجبور شده بود نظم کار هـا را برهـم زده و در روز شکنجه امید متوسل بشکنجه ترس‌شود.

زنان بچه ها را در آغوش فشرده فریاد می‌زدند: بایـستی (کوگان) خودرامعرفی کند پیران دعا میکردند که خدا کوگان‌رابه‌دم‌دروازه‌هدایت کندخوش باورهامیگفتند داردتوپ‌میآید مگرهمه‌را بیك جا میتواند بکشد بدبین‌ها میگفتند کوگان‌خودرامعرفی کندیانکند‌نتیجه یکی است همه را خواهند کشت !

خیاطی که جلو ریش خود را ول کرد و عقل خـودرا از دست داده بود فـریادمیزد «بیـائیداز‌مصرخـارج‌شویم» (ایزن) ویولن‌می‌نواخت .لویت‌بسرعت میخواست‌فصل‌دیگری از کتاب رابپایان رساند .در زیر زمین « هرش» دسـت نامزدش را می بوسید و تکرار می کرد « لیا !»« لیا !»

کوگان‌در پناهگاهی بود که‌فقط شش تن رهبران شورش از راز آن خبر داشتند وقتی دیدند که نازیها سیلیك کروك ساز را دستگیر کرده‌اند کوگان فهمید که سر انجام نزدیك‌است . برادر ارشد شمعون قضیه‌اتمام حجت راگزارش داد دواین موقع کوگان‌بهمراه گروهبان العاز از نقشه عملیات آینده را بررسی میکرد کوگان دستور داد شش تن را دعوت بتشکیل جلسه کنند .

سرایم ساعت کوگان شمعون‌لویت العازار ایزن- وروتمان‌سالخورده‌همگی حاضر بودند .

شمعون‌شروع بصحبت کرد :تونباید خود را معرفی کنی ،ما آماده شـروع قیام هستیم ! ایزن گفت ما برای تسلیم تو هم قسم نشده ایم مگر دستبان چلاق است ؟ اسلحه نداشتیم‌باسنگ‌دفاع میکنیم روتمان‌پیر گفت :

« تو میگوئی پس فردا دومسلـل دیگر هم دریافت می کنیم »

درهر حال « اسـلحه او بیش از ما خواهد بود » با این تفاوت که«او خوکی بیش نیست ولی مامردمان‌باشرفی هستیم من‌میخواهم شرافتمندانه بمیرم، نمیخواهم پس از مرگم بـگوینـد که کوگان را بچند روز مهلت فروختم»

کوگان برپا خاست همه ساکت شدند : از احسات شما متشکرم .با این حال خود را معرفی خواهم کرد .اوزن ودو فرزندم را کشته است کینه ونفرت من بی اندازه قوی است .باآرامش خود رابه اختیار اوخواهم گذاشت .میتوانم با سکوت خود با او رو بروشـوم . حرفهای شماخوش آیند است ولی‌منطقی نیست دوقبضه مسلـل‌بدست‌خواهیدآورد العازار سربازباسابقه‌ای است.اوجانشین من خواهد بود . شماحفر نقب را تادم پنجره ادامه دهید. این کار ٥شب‌بیشتر وقت‌نمیخواهدخودرابمخزن خواهیدرساند اگر قوه تان به آلمانها چربیدمیتوانید بجنگل واردشوید وگرنه مخزن‌رامنفجر خواهید کرد .الان هیچ کار مفیدی از دستمان ساخته نیست . امروز دربهترین وضع فقط میتوانیم ده نفر آلمانی بکشیم این کار بیفایده است . کسی چشم‌براه کوگان نخواهد ماند .باید هرچه‌بیشتر آلمانهارا کشته انبارنفت رامنفجرسازیم العازارفرمانده‌شما خواهدبود:این‌آخرین فرمان من است .

دیگران خواستند بحث کنند ولی بیفائده ماند .

روتمان سالخورده گفت :

حق با کوگـان‌است ما نباید بفکر خود وبفکر مرده‌ها باشیم . همیشه‌مؤمن بخدا بوده‌ام اوراخدای‌انتقام جومینامیدند امروز به هیچ‌چیز معتقد نیستم من‌یهودی پیری‌هستم‌ولی‌دیده ام که چگونه‌فرزندم را کشته اند میخواهم خود(خدای انتقام جو باشم !

کوگان‌به شمعون گفت«نیم‌بطری شراب داریم قبل ازوداع میخواهیم‌آنرا باهم‌بخوریم»بسهم مساوی تقسیم کردند کوگان گیلاس‌خودرابلند کرد«دوستان بسلامتی انتقام جوئی شما !» دست‌ایزن ویولونیست میلرزید کوگان‌بلحن‌شاعرانه گفت :«توجانانه مینوازی قبل از جنگ نام ترابر اعلانی دیدم اینجاهم‌نواختنت‌را شنیده‌ام .من زن وفرزند دیده‌ام ، بهار دیده‌ام نه بهار گتو را نه بهار های‌قبل از آن را بلکه بهار زندگی را !

ایزن زندگی‌زیباست،نه حالا بعدها جنگ موقوف‌خواهد شد مردم به‌موزیك گوش خواهند داد ...!

نگاهی بساعت‌انداخته و گفت :

«وقت فرا رسید »

تمام‌گتو بهمراه او روانه شدند بغض گلوی زنانی را که میگفتند بـاید او خود را معرفی کند میفشرد گیـسوان خودرامی کندند. پیر مردان دعامیخواندند. میخواستند خدا کوگان رااز چنگ‌هوست برباید . کوگان لیالویت را درآغوش فشرده گفت : « تو شاید بهار دیگری را نیز به بینی » . بعدا بسوی دروازه رفت . سربازها اورا پیش هوست‌بردند هوست به او گفت : « شماباهوشترین کسی‌از یهودی ها هستید که من‌ملاقات کرده‌ام . صحبت کنید گواهی نامه‌ای بشما خواهم داد . تصدیق خواهم کرد که شما اهل سویس هستیدباین‌ترتیب خواهید توانست‌بخارجه مسافرت کنید»

کوگان‌جواب داد :«وقت خود را تلف نکنید . هر کاری می‌خواهید بکنید. چیزی نخواهم گفت . اگر مرا هم مثل سیلیك کروك ساز بسوزانید خواهم مرد بدون اینکه فریادی ازمن بشنوید. من‌از کل دیگری سرشته شده‌ام . می شنوید؟ نسبت بشما کینه‌ونفرت دارم... »

چشمان تیره و سیاه خودرا بروی هوست‌دوخت . هوست‌رو بر گردانیـد دستورداد چشمان او رادرآورند. کوگان فریادی نزد. ناخنهایش را کندند.پاهایش را سوزاندند اوهمچنان ساکت ماند. او مرد بدون اینکه کلمه‌ای برزبان‌آرد.

سحرگاهان‌آلمانهانعش مثله‌شده‌اش را به گتو کشانیدند.

یکی از روز هـای مـاه مه دیوار خانه ها را آغشته به نفت کرده وگتو

بقیه درصفحه ٦

FOR WHOM THE BELL TOLLS

ارنست همینگوی

نویسنده کتاب ((برای که زنگها بصدادر می آیند))

مادرید در سالهای جنك: خرابه‌های خیابان پلاس‌دل‌سول؛ زباله‌ها شعارهای رنگی گردبادهای سرد؛ اجساد بچه‌ها کبوترها انفجار گلوله‌هاواین دو کلمه روی دیوارهای نیمه خراب در همه جا نمایان بود « برای فاشیستها عبور ممنوع است! »

اینکلمات دیگراز صورت شعارخارج و مبدل به‌اعلامت شده خیابان (گران ویل) در آن‌موقع خیلی پرسروصدا بود، آسمان خراش شرکت تلفن درهمین خیابان واقع وهدف خوبی‌را برای توپخانه‌فرانکو بوجود می‌آورد. مهمانخانه‌فلوریدا نیز که‌وقتی جلال وشکوه مخصوصی داشت اکنون بابدنه نیمه سوخته‌درنزدیك آسمان خراش خودنمائی میکرد بیشتر اطاقهای این مهمانخانه خالی وسرد بود وفقط یکنفر بهیچ قیمتی حاضر بتخلیه آن نشد درآنجا ارنست همینگوی چراغ الکلی که برروی آن قهوه‌میجوشانید مشغول نوشتن یك رمان عشقی بودواو نخواسته بود رمان‌خودرا درشهرفلوریدا(بهشت روی زمین) تمام کند در مهمانخانه‌فلوریدا نیز آتش توپخانه دشمن مجالش نمیداد.

چه‌چیزی او را درآن سالها به اسپانیا کشانیده‌بود؟ اسلحه اسلحه‌ای که بدست مردم افتاده بود. اولین‌بار نیست که جنك همینگوی رابسوی خودمیخواند برای اوجنك یکی‌از موضوعات جالب زندگی شده‌است.

اینك اسپانیا : همینگوی بمادرید آمد. درپائیز آن‌سال‌درشادی‌واندوه اسپانیا شرکت داشت. برای روزنامه‌های امریکائی می‌نوشت که نمیتواند شاید عقب‌نشینی مردم باشد ومانند عده زیادی، آنرا باور کند ولی بعدا در امریکا ناچار شد رمانی بنام: (برای که زنگها بصدا در می‌آیند؟) بنویسد من صفحه‌ای مهیج‌تر و غم‌انگیزتر از صفحات آخراین کتاب سراغ ندارم .

• • •

چریکها پل‌را منفجر کرده میخواهند بجمهوری طلبان بپیوندند. ربرت ژوردان باپای خرد شده‌اش کنار جاده افتاده‌است. او با معشوقه‌اش ماری بنا زندگی و باهمرزمان‌خودخداحافظی میکند؛ بروید! عجله کنید ! دخترمقاومت‌می کند.ژوردان میگوید: توخواهی رفت بخاطر خود و بخاطر من . . . او تنهامیماند.

ژوردان نمیخواهد خود کشی کند اویك وظیفه وجدانی دیگر دارد، باید دشمن را بکشد.

پادرد شکستگی پایش مبارزه میکند ولی ازاین می‌ترسد که مبادابیهوش شود. بامسلسل دستی خود منتظر است تادسته فاشیستهائی که درتعقیب چریکها هستند درجاده نمایان شوند آخرین صفحه از کتاب مهیج برای که زنگها بصدا در می‌آیند چنین است:

«ای کاش‌زودتر میآمدند، همین حالا میرسیدند. . . دردپایم‌شدت گرفته ؛ دارد ورم میکند . . . باخودفکر میکند که کارهاچقدرخوب پیشرفت‌میکرد، وقتی‌این گلوله بیرحم منفجر شد . . . امابازهم‌خوب‌است که زودتر موقعی که زیرپل‌بودیم منفجر نگردید. درآینده کارها رابهتر ترتیب خواهیم داد. ما بفرستنده ای که باموج کوتاه کار کند نیازمندیم؛ بله، بخیلی چیزهای دیگراحتیاج داریم مثلا من اکنون به‌یك پای‌چوبی‌احتیاج‌دارم . . . از گفته‌خودخنده‌اش گرفت بناچارلبخندی‌زد محل اصابت گلوله بشدت درد میکرد.

آخ، بگذار بیایند کاش زودتر میرسیدند؛ زود باشیدزود؛ بی‌شرمان‌عجله کنید! . . . حالا دیگر پایش‌بسختی‌درد گرفته کمی ازجای خود تکان خورد ؛ درد کشنده‌ای‌حس کرد پایش‌ورم کرده بود.باخود گفت: شاید بهترباشدهم‌اکنون‌خودرا راحت کنم‌زیرامن‌نمیتوانم‌درمقابل‌درد‌بخوبی‌مقاومت کنم. گوش کن اگرمن‌اینکار‌رابکنم آیاتوخواهی فهمید ؟ . . . باکی صحبت‌میکنی ؟ با هیچکس ! مثل‌اینکه بادختری صحبت میکنی ؟

نه باهیچکس !

آخ . . . جهنم ! . . . کاش زودتر می‌آمدند .

گوش کن ، بهترنیست کاررا یکسره کنم ؟ آخر اگر بیهوش‌شدم اسیرم میکنند‌استنطاق ، سئوالات عجیب‌و غریب . . . دیگر چه‌کارهائیکه نکنند . خیلی بدخواهد شد .

بهتر است نگذارم کار باینجا هابکشد . پس کاررا یکسره کنم والا . . آخ!، گوش کن گوش کن‌دارندمیآیند

ژوردان ! بد طوری مقاومت میکنی ، بدطوری مقاومت‌میکنی . مگر چه کسی میتواندخوب مقاومت کند ؛ نمیدانم ، نمی‌خواهم بدانم ولی توبد طوری بله‌بدطوری مقاومت میکنی ، منتظرم دیگر موقعش رسیده ... چه‌فکر میکنی ؟ نه !موقعش نرسیده . توهنوز میتوانی انجام وظیفه کنی . تاموقعی که‌می دانی معنی این‌کار چیست باید انجام وظیفه کنی . تا وقتی که معنی اینکار‌رابخاطر داری باید منتظرباشی منتظرباشی تابیایند . . بگذار بیایند بگذار بیایند .

تودرباره آنهائیکه رفتند فکر کن . چطور ازجنگل عبور میکنند . ازنهر ها‌عبور میکنند درمیان نیزار هادرحرکتند . دارند ازتپه هابالا میروند . فکر کن امشب چقدر خوش میگذرانند . حرکت آنان را در تاریکی شب در نظرت مجسم کن بخاطر آر که فردا به(گردوس) خواهند رسید. درباره‌آنان فکر کن. تودرباره آنها فکر کن .. دیگر نمیتوانم دورتر از (گردوس) را به‌بینم . دیگر تاب تحمل ندارم . یك‌دقیقه‌دیگر بیهوش خواهم‌شد . این را خوب‌میدانم . سه‌بار نزدیك بود ازحال بروم . خودم‌رابزور نگهدا شتم اما اینبار‌دیگر نمیتوانم درپایم خونریزی شروع شده‌مثل اینکه تکان خوردم‌استخوان شکسته پایم رگ هارا پاره کرد .

ورم پایم زیاد ترشد ، آخ ...! چه‌ضعف شدیدی دارم ! ممکن‌است‌بیهوش شوم حالادیگر میشود اینکار را کرد ، راستش‌رابخواهی همین حالاممکن است ... ولی اگرصبر کنی‌و آنها را حتی برای مدت کمی سرگرم کنی یاافسر شان‌را بکشی خدمت بزرگی انجام داده‌ای . یکعمل بموقع‌وبجا ...

خوب ! این کلمه را گفت ودرهمین حال که‌میکوشید از خودبیخودنشود.

بآرامی در جای خودخوابید بسا اینکه حس میکرد جانش چون برفی که از کوه سرازیر شود از تنش پرواز میکند با خود گفت تاآمدن آنها زنده خواهم ماند.

بخت ربرت ژوردان باوخیانت نکرد ؛ زیرادرهمین موقع یك‌دسته سواراز جنگل بیرون آمده جاده‌را قطع کردند. سواران به‌جسد اسب خاکستری رنگی نزدیك شدند افسر خودراصدازدند . افسر نیزپیش آمد. ژوردان دید دونفربسوی اسب‌خم شدند آنها اسب را شناخته بودند. ایـن اسب باصاحبش از دیروزصبح گم‌شده بود .

ژوردان آنهارا دروسط سراشیبی خوبی‌میدید . قدری پائین ترجاده وپل نمایان بود آن‌طرف پل ماشین‌هابهت‌سریکدیگر صف کشیده‌بودند. ژوردن‌اطراف خودراباد‌قت برانداز‌نموده نگاهی به‌آسمان کرد ، اکنون خودرا خوب‌میتوانست نگاه‌دارد . ابرهای بزرك سفیدی آسمان‌را پوشانده بودند. ژوردان بادستش‌برك های کاج وبعد پوست‌درختی را که کنارش دراز کشیده بودلمس کردجایش‌رامرتب کرد به برگهائی که پهلویش انباشته بود تکیه‌زد لوله مسلسل رابه تنه درخت چسباند.

افسرفاشیست که پشت‌سر دسته‌اول حرکت‌میکرد می‌بایستی از بیست‌قدمی ژوردان بگذرد در چنین فاصله‌ای نشانه روی کارآسانی است. این افسرسروان (برندو) بود .

وقتیکه خبررسید چریکهابه پاسگاه مقدم حمله ورشده‌اند افسرمزبور از (لاکارخی) احضار شدتابادسته خود بمقابله آنها بشتابد . باعجله زیادی اسب‌میتاختند وقتی به‌نزدیك پل‌رسیدند آنراویران‌یافتند مجبورشدند ازبیراهه رفته کوه‌را دوربزنند اسبشان‌بقدری خسته‌و کوفته‌بود که‌تلوتلو میخوردند

سروان (برندو)رد پای چریك‌هارا پیش گرفته از جاده‌بالا میامدصورتش استخوانی‌نگاهش متمرکز و خشن بود تفنك خود کاری بسر زین اسب آویزان کرده بود.

ژوردان باکمال‌احتیاط پشت‌درخت جا گرفته‌ومواظب‌بود که دستش حرکت بیخودی نکندمنتظرشد تا سروان بمحلی که‌بجنگل‌تمام میشد وآفتاب‌خوبی آنجا راروشن کرده بود برسداوضربان‌قلب‌خودرا برزمین پوشیده ازبرك‌جنگل‌حس میکرد ربرت‌ژوردان‌مرد درحالیکه‌دسته فاشیست‌هارانابود کرد . »

ارنست همینگوی هم‌جنك‌دوم جهانی‌را چنین‌استقبال کرد اودشمن‌رادر اولین مرحله‌تشخیص‌داد دودلی بخودراه‌نداد بملت‌هائی که برای دفاع از زندگی‌اسلحه بدست گرفته بودند شادباش گفت

اینك‌ما درباره این‌نویسنده گرامی فکرمیکنیم درشهرهائی که فاشیست ها بآن‌نزدیك‌شدند درشهرهائی که‌تسلیم‌نشدند وهرگز‌تسلیم‌نخواهندشد.

ربرت‌ژوردان برادران‌وخواهران بیشماری‌نیزدارد

آن‌قهرمانان‌رادرخاطرباد کنیم :عده زیادی این کلمات ربرت‌ژوردان‌راقبل ازمرك‌تکرار کردند:

«اگرتوآنهارا حتی برای‌مدت کمی‌متوقف‌سازی نتیجه‌بزرگی حاصل‌خواهی کرد . » ارنست‌همینگوی بهتر‌ازمردمی که جان‌خودرا بی‌مهابادر مقابل‌فاشیسم‌فدا میکردندخواتند‌گانی ندارد

((ما از زندگی‌دفاع خواهیم کرد)) این‌جمله خوشبختی و رنجهائی‌را که نصیب‌مردم‌شده‌است منعکس میکند . چنانچه من‌و شما وعده زیاد دیگری‌توانستیم پیروزی نهائی‌زندگی‌را چشم به‌بینیم آیا کسی پیدا نخواهد شد که‌آن‌آمریکائی رابا‌پای شکسته اش‌درآن روزهای‌سخت نبردمیان کاستیل بامسلسل کوچك‌وقلب بزرگش مجسم نکند؛

ترجمه باروح

ترجمه : از ادبیات دیگران

ابرهای‌سیاه محو میشوند

دنیا صلح را دوست میدارد .
برای مرغزار های آرام
برای افکار روشن
برای میوه های خوب
دنیا صلح را دوست میدارد

تمام قلبها یکی میشوند .
همگی حاضر همگی آماده
که تاریکی وجنك
مارا بسوی قربانگاه نکشد
تمام قلبها یکی میشوند

دستها دیگر قدرت ندارند
برای برده نمودن
برای تاریك نگه داشتن
برای خاموش کردن نورها
دستها دیگر قدرت ندارند

و ابرها محو میشوند
آفتاب زر می بافد
از زر زندگی سیراب میشود
افق روشن میشود
ابرهای سیاه محو میشوند

یك ملیون یهودی

بقیه از صفحه ۱

ساکن لهستان میباشند .

ای پلوبرك ــ مدیر کل اداره مهاجرین یهودی کشور اسرائیل طی‌مصاحبه‌باروزنامه نگاران‌اظهار داشته‌است که‌رومانی‌نیز دارای ۳۵۰۰۰۰نفر یهودی است وازاین عده یکهزار نفر داوطلب مهاجرت ایسرائل شده‌اند .

کشورهای‌چکوسلواکی، بلغارستان‌تسهیلاتی برای مهاجرت یهودیان‌فراهم‌نموده اند .

از ۳۵۰۰۰ یهودی چکوسلواکی تعداد ۱٤٤٤٦ نفریهودی هم اکنون به ایسرائل مهاجرت کرده‌اند از ٤۰۰۰۰ یهودی بلغارستان متجاوز از ۳٤ هزار نفرواز ۱۱ هزار یهودی یوگوسلاوی ٦٦۸۷ نفر بایسرائل مهاجرت کرده‌اند

از کشور شوروی فقط ٤ نفریهودی داوطلب بوده‌اند

زیرا زندگی یهودیان شوروی بسیار راحت‌بوده‌ودارای‌اختیار تام دراداره‌امور داخلی‌خودمیباشند درآلمان‌هنوز ٤٦۳۰۰ نفر یهودی میباشد وازاین عده ده هزار نفر در یك وضع تردد آمیزی داوطلب مهاجرت بارض‌ایسرائل میباشند . بهمین مناسبت نیزپلوبرك اعلام داشته است که تا ماه دسامبر کلیه دوائر مهاجرین در آلمان بسته خواهد شد .

یهودیانیکه مایل بمهاجرت هستند منبعدباید باداره مربوط درمونیخ مراجعه نمایند .

راجع بروابطایسرائل‌بادولت‌باختری آلمان پلوبرك اظهار داشت که حکومت ایسرائل در نظرندارددر آینده روابطی فی‌مابین دولتین برقرار نماید.

درخاتمه مصاحبه پلوبرك اضافه‌نمود که‌یهودیان کشورهای‌ساکسون‌وامریکای لاتین که‌جزءطبقه‌متوسط‌میباشندمیتوانند بکشور ایسرائل مهاجرت‌نمایند مهاجرت مشروط براینکه بتوانند زندگی خودرا بسهولت از راه زراعت‌وصناعت کشور ایسرائل تامین نمایند .

اتکاء بنفس

مباش در همه عالم امید وار کسی
توخود بکوش که ناید کسی‌بکار کسی
مقام جد و پدر منشاء کمال مدان
که معتبر نتوان شد باعتبار کسی
باستعانت پای اراده طی کن راه
جهالت است نشستن بانتظار کسی
چو دست‌دست توهد وقت راغنیمت‌دان
که سیر چرخ نباشد باختیار کسی
رای جنس بشر منتهای‌بی‌هنری است
که افتخار فروشد باقتدار کسی
چو میوه زحمت‌خودرابدوش شاخه‌منه
رضا مشو که شوی درزمانه بار کسی
بروزگار چنان‌شو که بر تو رشك برند
مدوز دیده حسرت بروز گار کسی

وضع اقتصادی کشور

بقیه‌ازصفحه ۱

میدهد باانداشتن بهداشت‌و خوراك صحیح و وجود فشارهای اجتماعی وخانوادگی بازمی‌بینیم‌ایرانی بهترین قالی هامی بافد وخاتم کاریها و کاشی‌کاریها را بوجود میاورد که‌باعث تعجب بینندگان میشود.بااینحال نه‌تنها از صنایع ایران تشویق بعمل‌نمیاید بلکه‌در اثر رقابتهای تجارتی واقتصادی هنروذوق و استعداد افراد ایرانی نیز از بین‌میرود

وضع اقتصادی مادر صورتی‌بهبودی خواهدیافت که‌دردرجه‌اول ازمحصولات داخلی کشورحمایت‌شودوآنچه‌ضروریات یك‌کشور مترقی‌است‌در دسترسی افراد فعال آن قرار گیرو موانعی‌جهت ورود محصولاتیکه نظیر آن درداخل کشور تهیه می‌شود وضع گردد ومسئولین‌امر نیروی‌خلاقه کارراتشخیص داده ازحقوق افراد مولدثروت جانبداری نمایند

از چندین سال باینطرف نه‌تنها از صنایع داخلی کشور طرفداری نشده و بافزایش تولید توجهی نگردیده بلکه‌با گشودن دروازه‌های کشور بروی کالا های‌غیرضروری، برصنایع و محصولات کشور لطمه جبران ناپذیری وارد آمده است گوئی تعدی درکار بوده است هردولتی که‌روی کار آمده برای‌اینکه نمونه فعالیت خودرا برخ مردم بکشد و وانمود کند که‌برای جامعه خدمت کرده دراجازه ورود کالاهای خارجی بکشور ازسلف‌خود پیشی گرفته است .

از ورود لباسهای کهنه ، کفش‌جوراب نایلون وتله موش گرفته تا اسباب‌بازی وپارچه های پوسیده‌ابریشمی و نخی که که سیل‌وار وارد کشور شده حمایت نموده‌اند در صورتیکه لازم بود از کفاش ها خیاطها وکارگاههای جوراب بافی وپارچه بافی و کارخانه های بهشهر و چالوس وغیره‌حمایت وازبیکاری وبسته شدن آنهاجلوگیری‌میشدودر بهبودوضع کالاهای آنها و کثرت تولید و تنزل قیمتهای آن کوشش بعمل می‌آمده‌اتومبیل های غیرضروری لوکس طوری‌در ایران رواج یافته که قلم بزرگی از واردات کشوررا بخود اختصاص‌داده‌است .

درصورتیکه برای‌ماشینهای کشاورزی هزاران اشکال میتراشند ومانع از این میشوند که زمینهای بایر مزروع‌ومورد استفاده قرار گیرد

بموجب بیلان اقتصادی که اخیرا در جراید منتشر شد درعرض ششماه اول سال جاری برابر شش میلیاردریال اقلام کالاهای وارداتی بوده‌است‌یعنی‌یکصدو پنجاه میلیون دلار که درظرف یکسال سیصد میلیون‌دلار میشود حال فکر کنید با این قلم واردات و با اینهمه‌دلار وارز خارجی که قسمتی ازآن با هزار زحمت ازدسترنج این ملت‌فقیر گرفته‌شده وبقیه از ذخیره حیاتی کشور یعنی نفت بدست می آید چه اصلاحاتی رادر این کشور میتوان‌عملی ساخت

برای این سیصد ملیون دلاروسایر استفاده‌هائیکه میشود در این کشوربدست آورد،رقابتهای شدیدی در بعضی‌از کشور های خارجی در گرفته،جنك و جدالهاو تهر وآشتیهائی بوقوع پیوسته است

باجناسیکه در بازار ایران بحد وفور یافت میشود نگاه کنید خواهید دید که تعداد کشورهای خارجی که‌باما معاملات اقتصادی داشته و بدین وسیله رقیه‌حیات‌این کشور را با اجناس‌پوسیده وبنجل خود قطع‌میکنند وسعی مینمایند دست رقیب دیگر را ازاین بازار کوتاه نمایند از حدمعمول تجاوزمینماید

مثلا ازکشورهای ممالك‌متحده‌امریکا انگلستان فرانسه و سایر کشور های اروپائی که درجنك اخیرشکست‌خوردند گرفته تا هندوستان وژاپون که اخیرا رکورد سایر اجناس را دربازار ایران شکسته‌اند اجناس باین کشور واردمیشود وفقط کشورهای افریقائی هستند که از این خوان نعمت‌بی‌دریغ بی نصیب‌مانده‌اند بله حالیه که بازار بر وسعت‌وزر خیز چین از دست‌رفته چه جائی بهتراز بازار های خاور نزدیك و بخصوص کشور عزیز ما ایران

شما اخبار خارجه‌رااز نظر بگذرانید وبه‌بینید چگونه‌بدون ملاحظات‌دیپلماسی دولتهای خارجی برای استفاده از بازار ایران فعالیت بخرج میدهند ونقشه می کشند . آقای سراستا فورد کریپس‌وزیر مالیه انگلستان دریك‌مصاحبه مطبوعاتی بموضوع‌صادرات به‌ایران اشاره کرده‌می گوید بنفع انگلستان است که‌بنرخ‌جدید لیره که تسعیر شده است بایران جنس صادر کند تا درمقابل رقابت بازرگانان امریکائی درآن کشوربتوان مقداری دلار صرفه‌جوئی کرد

ازمصاحبه وزیر مالیه انگلستان‌می توان بخوبی استنتاج کرد که اولا بین کشورهای انگلستان‌وامریکا برسربازار ایران رقابت شدیدی وجود دارد ایشان میخواهند بفهمانند اگراین وسیله تسعیر نرخ جدید لیره سابقا وجود داشت‌بهتر و زودترمیتوانستند بازار ایران را در دست بگیرند‌افسوس‌میخورند که‌دیرشده است وثانیا بایستی‌باباز رگانان‌امریکائی رقابت کنندوآنهارا ازبازار ایران‌خارج نمایند وثالثاباین‌صادرات کم‌بوددلارخود راجبران کنند

برای‌ما روشن است که‌کلیه کشور هائیکه باماوارد معاملات‌بازرگانی‌شده کالا بکشور ما وارد مینمایند جز استفاده خود وبکارانداختن کارخانه های خود نظر دیگری ندارند چه‌آنها روز بروز بابحر انهای‌اقتصادی روبروهستند اگر کالاها ومصنوعات کارخانه‌های‌خود را بفروش نرسانندوبازاری برای‌فروش نداشته باشند خطر بیکاری و اعتصابات دامنه‌دار بکلی‌رشته‌امور آنهاراازهم‌خواهد گسست‌وضررهای هنگفتی بصاحبان‌سهام ومنافع سرشار آنها وارد خواهدساخت بهمین مناسبت ازدولتهائیکه منافع آنها را تشخیص‌داده‌وازحقوق آنها دفاع‌نماید حمایت مینمایند .

بااین رویه‌ایکه دولتهای‌ما درپیش گرفته‌اند وتصورمیکنند باآوردن کالا های خارجی هزینه‌زندگی‌راپائین‌بیاورند اشتباه بزرگی مرتکب میشوند چه‌هرچه اجناس وارداتی زیادباشد ودرمقابل‌قوه خرید کم وضع پریشان اقتصادی بهبود نخواهد یافت کسی که قوه‌خرید نداشته باشد یعنی از دسترنج خود چیزی بدست نیاورد برای‌او قیمت ۵۰ ریال باه‌ریال علی‌السویه است

بایستی‌مصنوعات‌داخلی را تقویت کرد قوه تولیدرا زیادنمود، هرچه‌بیشتر وسائل‌کار برای‌ملت‌فراهم باشد ثمره‌زیاد تری‌بدست‌خواهدآورد درنتیجه قوه‌خرید اوبیشتر شده‌احتیاجات‌خودرا بهترمیتواند رفع نماید .

شما آقایان‌اولیاء امور برای‌منظور هائی که‌در اینجامورد‌بحث‌مانیست اجازه بازرگانی بکلیه شرکتها وسرمایه های خارجی میدهید که‌براحتی بوسیله‌تصویب نامه‌های شما کالاهای خودراوارد ایران نمایند ولی فکر نمیکنید‌چه‌زیان‌غیرقابل جبرانی‌بصنایع واستعداد کارگران‌وافراد ایرانی وارد میاورید.کارخانه‌های‌ایران البته‌نمیتوانند باکارخانه های عظیم و با سابقه خارجی رقابت نمایند در نتیجه محصولات آنها خریدار نخواهد داشت وآنها ناچار خواهند شد کارخانه های خودرا تعطیل نموده عده زیادی‌کارگررا بیرون بریزند .

چنانکه هم‌اکنون شاهد این‌جریان هستیم‌ومیبینیم روزبروز کارخانه‌هااعم‌از دولتی‌وشخصی تعطیل شده کارگران‌بیکار ودر تلگرافخانه هامتحصن میشوند دیری نخواهد پائید که کلیه آنهادر اثررقابت های خورد کننده ازپای‌درخواهندآمد.

اشتباه نشود منظور ما در اینجا طرفداری از منافع سرشار کارخانه‌داران نیست‌ما عقیده داریم که‌روزبروزبرتعداد کارخانه‌ها ازهر قبیل دراین کشوربایستی اضافه شود کشور ماایران‌ازلحاظ صنایع درردیف کشور های مترقی‌بشمار آید، ولی‌با غارت‌وچپاول نیزمخالف هستیم‌و عقیده‌داریم دولتها ،باقدرت قانون‌یعنی‌با وضع مالیاتهای سنگین‌ونظارت درقیمت هاجلو سودپرستی و گستاخی صاحبان‌کار خانه وسرمایه داران راگرفته‌و ازسوء استفاده‌های آنها جلو گیری بعمل‌آورند.

خلاصه بایستی سعی‌شود که‌صادرات ایران ازاین وضع اسفناك رهائی یابد، معلوم نیست ازچه رو کشور های خارجی برای‌وارد کردن کالا های خود بایران بایستی اینطور آزاد باشند ولی برای صادرات ما هزار مانع در پیش باشد و صادر کنندگان مانتوانند کالاهای ایرانی رابراحتی در بازارهای دنیابفروش‌برسانند بایستی‌دولتهای مااین مسئله رابررسی نموده‌و از آن جدا دفاع نمایند یعنی در صورتی ما اجازه ورود بکالای کشوری بدهیم که‌اوهم‌درمقابل‌از کالای‌ماخریداری‌نماید اگر آهن آلات وقماش‌چیتی‌وبلور بما بدهند ماهم‌در عوض خشکبارو کتیرا وصمغ وغیره‌باوبدهیم اگردولتهای‌ماز این‌عمل طرفداری‌نمایندواولین قدم‌اصلاحی رابرداشته اندولی تصورنمیرود اینعمل مفیدرا بتوانند انجام دهند .

خوب است‌اولیاء امورقدری بخود آیند وببینند چگونه کشور هائیکه بار جنك‌جهانی آخیر کمر آنهاراخم‌نموده بودو دچاراینهمه‌ویرانی‌وخرابی‌شده‌بودنددراثر نقشه‌های صحیح وطرفداری از نیروی‌کار ملت‌و مانع‌شدن ازورود کالاهای‌خارجی بکشور خود توانسته اند قدراست کنندو وضع‌اقتصادی‌خودرا بهبود بخشند

مسئله اورشلیم

بقیه‌ازصفحه ۱

یکدولت یهودی هم آهنگی کردند ، دراین بار نیز هم‌آهنگی انگلیس‌وامریکا در مورد مخالفت با استقرار کنترل بین‌المللی بر اورشلیم نه فقط دال برتوافق سیاست آن دو درمورد ایسرائل بطور خصوصی وخاورمیانه ونزدیك‌بطورعمومی نیست ، بلکه یکی از علائم تضاد آن‌دو سیاست است

بطوریکه معلوم است پس ازتشکیل جلسه مشاوره مامورین انگلیسی مقیم خاور میانه در لندن ومسافرتهای ملك عبدالله وعبدالاله نایب‌السلطنه عراق بلندن ، امان (پایتخت ماوراء اردن) بمرکز ثقل سیاست انگلیس‌درخاورمیانه و نزدیك مبدل شده‌است.

در نقشه معروف انگلستان دائر به تشکیل اتحادیه هلال‌خضیب (باالحاق سوریه وماوراءاردن‌ولبنان وعراق‌وقسمت‌عربی‌نشین‌فلسطین) تحت ریاست ملك عبدالله یك تجدید نظر تاکتیکی بعمل آمده‌است. بدین ترتیب که برخلاف‌سابق اجرای نقشه بجای شروع از الحاق سوریه به ماوراءاردن ،با الحاق‌ماوراءاردن وعراق باید آغاز شود.

دوشا دوش اجرای این نقشه تشکیل یك«اتحادیه‌خاور میانه و نزدیك تحت رهبری انگلستان هدف نهائی‌سیاست انگلستان در این منطقه می‌باشد.ولی بدون جلب موافقت وهمکاری ایسرائل تشکیل چنین اتحادیه‌ئی بی فایده وبی معنی خواهد بود.

اگر بخاطر داشته باشیم ، مقارن مسافرتهای سیاسی که درحدود ششماه پیش ازپایتختهای خاور میانه بلندن وهمچنین میان‌خوداین‌پایتختها انجام گرفت، حسین جاهد یالچین روزنامه نویس مشهور ترکیه ودوست دیرین‌انگلستان که‌در راس هیاتی از نمایندگان مجلس کبیر ترکیه بلندن رفته بود ضمن یك مصاحبه مطبوعاتی فکر ایجاد یك اتحادیه مدیترانه را مورد انتقاد قرار دادوموضوع تشکیل یك اتحادیه خاور میانه را البته با شرکت ایسرائل درمیان کشید.باید متذکر شد که‌درآن‌ایام یالچین بسمت عضویت کمیسیون ملل متفق برای فلسطین انتخاب شده بود .

از آن پس دیپلماتهای انگلیسی برای جلب موافقت سران ایسرائل با چنین اتحادیه ئی در تل آویو ولندن مشغول فعالیت می‌باشند. دراین مذاکرات وعده اعطای اعتبارات مالی واقتصادی بکشور ایسرائل، همکاری انگلستان برای عقد قرارداد های صلح بین‌ایسرائل ازیکطرف و کشورهای عربی‌ازطرف‌دیگر ومخصوصا حل رضایت بخش اختلافات ماوراء اردن و ایسرائل درپیش کشیده‌شده است .بدون تردید دولت انگلستان برای‌ازبین بردن کینه‌ئی که‌سیاست‌مخاصمت آمیزش درباره ایجاددولت ایسرائیل درافکار عمومی یهودیان بر انگیخته بود،با آرزوهائی که تکرات درپارلمان ایسرائل ومحافل رسمی‌وغیر رسمی‌آن کشور دال بر انتقال‌پایتخت به‌بیت‌المقدس‌ابرازمی‌شد،موافقتی‌ابرازداشته‌است.

لحن جرائد انگلیسی‌در حین طرح مسئله کنترل بین‌المللی بربیت‌المقدس‌در سازمان ملل‌متفق واظهارات آنهادال‌بر اینکه سازمان ملل متفق باموافقت خود باکنترل بین‌المللی اشتباهی مرتکب‌شده است حاکی از این امر است چونکه ایسرائل‌وماوراءاردن میتوانستند درمورد بیت‌المقدس به‌موافقتی بین‌خود برسند . جای ذکر است که قسمتی ازبیت‌المقدس درتحت اشغال قوای ماوراءاردن‌میباشد وعلت اساسی مخالفت انگلستان‌رابارای سازمان ملل متفق درهمین باید جستجو کرد.از کلیه کشور های عربی نیز در موقع اخذ رای‌فقطماوراءاردن بااستقرار کنترل بین‌المللی مخالفت نموده بود.

ازطرف امریکا سیاست دیگری تعقیب میشود، محرك اساسی این سیاست بدست آوردن تکیه‌گاههای جدیدومنابع نفتی جدیدوپیش ازهمه‌پیدا کردن‌مخرجی جهت لوله نفت عربستان سعودی بدریای مدیترانه میباشد دولت امریکا تاکنون با استقرار نفوذقطعی‌انگلیس‌در سوریه ومخصوصاسیاست اتحادیه«هلال خضیب» شدیدا مبارزه کرده و در این راه از همکاری دولت فرانسه نیز برخوردار شده است . دولت امریکا همچنین‌خواهان‌آنست که اگر اتحادیه‌ئی در خاورمیانه تشکیل میشود بابتکار وی وتحت رهبری وی‌باشد . دولت‌امریکانیز درحالیکه برضداستقرار کنترل‌بین‌المللی در بیت المقدس داده است میکوشد از افکار عمومی‌یهودیان‌خواه‌در داخل‌امریکا وخواه در ایسرائل برخوردار گردد، و مخالفت‌خودرا بااستقرار کنترل بحساب پشتیبانی از آمال ملی یهود جلوه گر سازد .

اما باید گفت که رای سازمان‌ملل متفق سنك جدیدی در راه اجرای نقشه های نظامی یك‌اتحادیه خاورمیانه بشمار میرود و درعین حال راه حلی است که افکار عمومی مسلمانان را نیزمانند افکار مسیحان‌تسکین‌میدهد .البته‌دولت‌شوروی ازچنین وضعی‌یعنی عدم امکان تشکیل یك اتحادیه جنگی خاور میانه (که شورویها آنرا برعلیه خود تلقی‌میکنند) چندان نا راضی نخواهد بود .

بمناسبت ایام

بقیه ازصفحه ۲

از آثاری که دشمن بر جای گذاشته بود پاك سازد .

دشمن ازهمه‌جارانده‌شده‌بودآخرین نقطه اتکاء آن اورشلیم نیز بدست مدافعین جوان آزاد گشت . ملت یهود پس از دوهزار سال سالهائیکه در آن رنج‌وزحمت فراوانی نصیب‌وی گشته‌است ولطمات بیشماری از طرف دشمنان بشر بروی واردآمده است هنوز خاطره این روزرا ازیاد نبرده وهرسال‌باافتخاروفتحیکه‌در راه برانداختن ظلم نصیب‌پدرانش شده است ۸ روز جشن میگیردومراسم مخصوص برپا میسازد ولی اجرا کردن مراسم بدون اندرز گرفتن از حقیقت آنها نتیجه دربرنخواهدداشت .

ذکر وقایع تاریخی و جریانات اجتماعی گذشته تنها این سود را در بر دارد که‌مردمانی که‌در راه آینده قدم برمیدارند و برای بدست آوردن زندگی ازدست رفته به پیش میروند‌از آن برای استوارترنمودن قدمهای خود و محکمتر ساختن رشته همکاری و اتحاد خودنتیجه بگیرند .

مردم جامعه ما درحالیکه اکثریت هان دچار سر پنجه فقروفلاکت میباشند وبرای تهیه لقمه نانیکه سرانجام برای سیر نمودن اطفالشان کفایت نمیکند از شهر بده و ازده بشهر سر گردانند .

آنهائیکه روز هازیر اشعه سوزان تابستان و یا در سرمای خشك کننده زمستان بطور طاقت فرسا جان میکنندو شبهادر دخمه‌های پوسیده ومرطوبی‌بدتر از حیوانات در انتظار روشنائی روز بسر میبرند باید این موضوع را درنظر داشته‌باشند که بامحکم نمودن‌رشته‌پیوندو همراهی خود باسایر انسانهائی که‌دچار همین وضع میباشند میتوانند بآینده خود امیدوار باشند وبرمحرومیت‌هاومشکلات زندگی کنونی خود غلبه‌نمایند.

بقیه از صفحه ٤

سرانجام گتو

را آتش زدند .

ایزن ویولونیست درشعله‌ها جان سپرد او را بر بالای بام خانه ای دیدند که سنك پرتاب میکرد.

معلوم‌نیست‌لویت‌چگونه‌مرد.چهل‌نفری ازقیام‌کنندگان خود را به پنجره رسانده مخزن را منفجرساختند .

برادران شمون تا غروب‌جنگیدند پنجاه سربازآلمانی را ازپای درآوردند العازارموفق شدبه‌پارتیزانهابه‌پیوندد.

اومیگفت (لیا) به نازیها تیر-اندازی میکرد سربازان دشمن‌محاصره‌اش کردند. نامزدش(هرش) دویدنارنجکی بروی او انداخت روتمان سالخورده را به پیش هوست آوردند.

شب هنگام بود آلمانها همه راقتل عام‌کرده بودند هوست شنگول بودتاپیر مرد را دید شلیك خنده را سرداد.

«آهان،آفرین آهاسوروس‌روتمان به اوحمله ورشدکاردی که تا آن لحظه مخفی کرده بود در شکم هوست فرو برد .

العازاراین‌جریان‌را تعریف میکرد اومیگفت که او واقعا خدای انتقام جوئی شد !

از فریب خوردن پرهیزید

درجامعه مادروغگوئی دربین اولیای امور وروزنامه‌های با نفوذ مد شده‌است گوئی سازمانهای مختلف کشور، وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها،رادیو وروزنامه‌ها و مجلات موجود باهم مسابقه‌عوام‌فریبی گذاشته‌اند مصاحبه‌ای که ترتیب میدهند خبری که منتشر میسازند مخترانیهائیکه بصدای بلندبگوش شنوندگان می‌رسانند وعده‌هائیکه میدهند تجربه شده‌است که همه درآخر نادرست‌در می‌آید مقاصدزیر پرده‌ای که هیچکدام بسود مردم نیست محرك این‌عوام فریبی هاست میخواهند دل مردم‌را باهیچ خوش کنند اصلاحی نشده‌است‌ولی گوشها رااز بانك اصلاحات پرمیکنند رفاه وآسایش دروضع زندگی مردم پدید نیامده‌است ولی مرتبا‌ازاین صحبت‌میشود که‌دراثرتوجهات‌اولیای امورزندگی مردم‌غرق رفاه‌وآسایش است‌رئیس‌دولت‌سال گذشته ضمن مصاحبه‌ای گفتند که مردم بدولت اعتماد ندارند اگراعتمادندارندحق دارند زیرا نمی‌شود مرتبا دروغ شنید ولی بگوینده آن‌اظهار اعتماد نمود کم کم چشم و گوش مردم بیدارشده وبه‌آسانی اخباروعده‌های نادرست راباور نمی کنند ولی هنوز هستند مردم بی‌خبری که‌تجربیات برای آنها درسی آموزنده نبوده‌است این‌اشخاص هنوز برای اصلاح کشور بکسانیکه بارها قول ووعده‌های آنهارا آزمایش نموده‌اندل بسته‌اند و ظاهر فریبی ها واقدامات ظاهرا آراسته را به حساب «اصلاحات» آینده میگذارند واز هم‌اکنون برای آن پای‌کوبی‌می کنند باید سعی کرد این افرادرا از سادگی بدرآورد وفهمانید که فریب‌خوردن برای‌یك‌بشرقرن بیستم‌عاراست‌اگرهمه‌دستگاههابکاربیافتند تاشما رافریب دهند شما باید ثابت کنید که فریب نمیخورید وباهوش ومراقبت‌راست‌را ازدروغ تمیز میدهید.

تفسیر اخبار سیاسی

مسابقه فوتبال درخاور میانه

... توپ بدروازه انگلیسها نزدیك شد گوشه‌راست‌شوت کرد «شکرالقوتلی» دروازه بان انگلیسی نتوانست توپ‌رابگیرد (گل) شد همه کف زدند، دسته گل بکاپیتن امریکائی تقدیم‌شدکاپیتن خندید،انگلیسیها دلخور شدند.

باردوم انگلیسیها خود‌را جمع وجور کردند وباهر وضعی بود توپ‌را بدروازه امریکائیها نزدیك کردند «حناوی»فوتبالیست تازه نفس شوت‌کرد غرور ومستی بیجای امریکائیها بضررشان‌تمام‌شد (گل) شد و (گلر) امریکائی‌ازپا درآمد

بازی از سرنو شروع شودیگر دوحریف پخته‌ترشده‌بودند تلاش خود را بیشتر کردند آمریکائیها سرغیرت آمده،ودر آخرین دقیقه توپ رابدروازهٔ حریف رساندند و با اغفال‌آن (گل) کردند. تا این ساعت بازی دوبر یك بنفع تیم آمریکائی تمام شده‌است. مسابقه (دوستانه) ادامه‌داردوترتیب‌دهندگان‌مسابقه‌انتظارفروش بلیط و جلب منفعت بیشتری دارند..

تعطیل یك کارخانه - دیگر

باز هم یك‌کارخانه دیگر تعطیل‌شد و دویست‌و پنجاه کارگر که‌بایدمخارج و معاش دویست وپنجاه خانواده را تامین‌کنند بیکار و سرگردان شدندو معلوم نیست‌نان روزانه‌خود و خانواده‌و زن وفرزند خویش را از کجا باید تهیه نمایند!

این کارخانه که بتازگی تعطیل‌شده کارخانه آجر نسوز امین آباد است که خاك بیابان را مبدل بآجر نسوزمیکردو بانوسیله احتیاج کشورراباین‌کالامرتفع میساخت و از صدور مقدار زیادی ارز جلوگیری میکرد وضمنا صدها نفررابکار وامیداشت وپس از احداث کارخانه‌ذوب آهن و توسعهٔ صنایع کشور میتوانست کلیه‌نیازمندی‌موسسات صنعتی وراه آهن را تامین کند وازمصرف شدن قسمتی از ذخیره ارزی مملکت‌که ناچار بایستی برای تهیه آجر نسوز صرف شود جلوگیری نماید.

از اطلاعات

مسگری خودرا بدار کشید

چندساعت‌قبل‌ازمرك نزد خویشان خود

از مصائب زندگی شکوه وناله کرده بود

چندروز قبل‌درزرگنده سربازوظیفه ای اتفاقا گذارش بحوالی سفارت‌ترکیه افتاد ودربین درختان انبوه باغ بی درو پیکری که درآن قسمت واقع است‌جسم سیاهی را از شاخه لخت و عور درختی آویزان دید.

ابتدا بخیال آنکه فرش شوئی قالیچه‌ای‌را شسته وبدرخت‌آویزان کرده راه‌خودش راپیش گرفت و برفتن‌ادامه‌داد ولی چند قدم آنطرف‌تر کفش و کلاهی که زیردرخت افتاده بود توجهش‌راجلب کرد و بالاخره فهمید جسم آویزان شده قالیچه نبوده وجسد انسانی است که‌خود کشی کرده است.

یکساعت بعد ماموربن کلانتری قلهك از ماجرا مطلع شدند. دادسرا ازجریان قضیه مطلع کردند وساعت‌دو ونیم بعدازظهر آقای‌بازپرس باتفاق‌پزشك قانونی در محل حادثه حاضر گردیده‌و شروع بتحقیقات نمودند.

درضمن‌تحقیق معلوم‌شده‌متوفی‌مسگری است که عزیز داودی نام دارد.

عزیزصبح زودبخانه یکی‌ازاقوامش که زرگنده واقع است بمیهمانی میرود ودر ضمن گفتگو از کسادی بازار و بی رونقی کسب وکار شکوه وناله میکندو سپس ازاینکه ضرردیده وسرمایه‌از کفش بیرون شده اظهار تاسف مینماید.

متوفی گویا پس‌از خروج ازمنزل بستگان خود بباغ بردرخت فوق الذکر آمده وبزندگی خود خاتمه میدهد.

عده‌ای میگفتند: بیم وهراس ناشی ازورشکستگی عزیزرا وادار بخودکشی کرده ولی‌عده دیگری عقیده داشتند که مسگر متوفی مبتلا به‌اختلال حواس‌بوده است.

برادر او که بمحل حادثه آمده بود میگفت.

من‌ازپانزده‌سال قبل‌تاکنون‌بابرادرم قهربودم وروابط ماازسلام وعلیك‌تجاوز نمیکرد.

موقعیت ووضع درختی که عزیزخود رابدان دارزده طوری‌است که‌بیننده در وهله‌نخست نسبت‌بوقوع‌خود کشی‌مشکوك می‌شود زیراشاخه درخت مزبور طوری قرار گرفته که بدون نردبان وسایر وسایل وصول بآن تقریبا برای انسان

موقعی که ماموربن میخواستندجسد متوفی وا از درخت پائین بکشند درست یکساعت وقت‌صرف شدگه تابمقصودنائل شدند.

درهر حال حدس زده میشود که عزیز بالای درخت رفته وپس از اینکه یکسر طناب را بگردن خود بسته سر دیگرش را بشاخه درخت محکم نموده و باشتاب خود را بطرف پائین پرتاب کرده است.

نامبرده در حدود ۴۵ سال ازسنش میگذشت.

از «اطلاعات»

درعرض چهار ماه برای سومین دفعه در سوریه کودتای نظامی بعمل آمد

دمشق (خبرگزاری فرانسه) - رادیو دمشق اطلاع داد که آرتش سوریه با یك اقدام ناگهانی سرهنك حناوی فرمانده کل‌آرتش سوریه‌را که در تابستان گذشته باکودتای خود دولت سرهنك‌زعیم را واژگون کرد بازداشت کرده‌است. سرهنك دوم شیشکلی رهبر این اقدام نظامی که‌فرماندهی اولین آرتش سوریه را در فلسطین‌بعهده داشت طی اعلامیه‌ای اشعار داشته که سرهنك سامی حناوی وحسن طلئس برادرزن او بعلت توطئه برعلیه مصالح ملت سوریه بازداشت شده‌اند.

بیروت (یونایتدپرس) - اولین کودتا درسوریه ۳۰ مارس گذشته‌بدست کلنل حسنی‌الزعیم که بعدا بریاست جمهوری سوریه تعیین گردید صورت گرفت. چندماه بعد عده‌ای از افسران تحت رهبری سرهنك سامی حناوی رئیس ستاد زعیم و نخست وزیر وی‌محسن البرزی راشکست داده و پس از یك محاکمه‌چند ساعتی محکوم بمرك نمودند.

حناوی ازهاشم‌الاتاسی تقاضا کرد که دولت را تشکیل دهد و کلیه‌اختیارات سیاسی رابوی تفویض‌کرد. شیشکلی در کودتای ۳۰مارس معاون کل زعیم بود وبعدا رئیس شهربانی سوریه گردید ولی چندهفته قبل ازاینکه زعیم‌اعدام شود ودولتین ازکار بر کنار گردند شیشکلی ازطرف زعیم ازکاربر کنارشد

دمشق (یونایتد پرس) سامی حناوی و طلئس و سایر کسانیکه در کودتای دیروز دستگیر شده‌اند رهبران نهضت همکاری وحدت‌سوریه وعراق و ماوراءاردن بوده‌اند.

باین مناسبت یادآوری میشود که در طی‌مذاکرات بر جلسات هفته‌اخیر بارلمان‌سوریه شیشکلی رسمااعلام کرد مادامی که ماوراء اردن وعراق تحت نفوذ انگلستان قراردارند سوریه‌نباید بااین دو کشور همکاری کند.

کمیته پارلمان سوریه علی‌رغم مخالفت شدید مشارالیه طی‌قطعنامه‌ای‌لزوم همکاری‌نزدیکتر بین عراق‌و سوریه را اعلام کرد ولی اکنون که سامی حناوی‌و همفکران وی دستگیر شده‌اند بنظر مسلم میرسد که پارلمان سوریه این قطعنامه رارد خواهد کرد

در دمشق گفته میشود که رهبران کودتای نظامی جدید باایجاد اتحادیه عراق وسوریه مخالفند وبهمین دلیل بود که بکودتای جدید دست زدند در این خصوص یادآوری میشود که قراربود رئیس‌جمهوری سوریه هاشم‌الاتاسی روزشنبه بست‌ریاست جمهوری رااشغال وسوگند وفاداری یادکند وانتظار میرفت که در دفعه اول قول‌دهدکه وحدت ممالك عربرا عملی‌خواهد کرد.

تل ابیب (رویتر) - هنوز نتیجه کودتا در سوریه در مذاکرات بین نمایندگان سوریه و اسرائیل برای تعیین سرحدات دو کشور ومتارکه ظاهر نشده است و دیروز طبق معمول مذاکرات ادامه داشت و بعد از ختم این مذاکرات طرفین موافقت کردندکه درنهم ژانویه آینده مذاکرات را مجددا شروع کنند.

روابط سیاسی استرالیا و اسرائیل

تل ابیب- یونایتد پرس - چارلز هوفمان‌وزیر مختار استرالیا درتل ابیب امروز استوارنامه خودرا به دکتر وایزمان‌رئیس جمهوری دولت‌اسرائیل تقدیم خواهد کرد. باوجود اینکه بیت‌المقدس پایتخت رسمی دولت اسرائیل است معهذا بعضی از وزارتخانه ها منجمله وزارت خارجه اسرائیل همچنان درتل ابیب هستند.

فن مانشتاین به۱۸سال‌زندانی‌محکوم‌شد

هامبورك (یونایتدپرس) فن مانشتاین فلد مارشال آلمانی که‌درجنك شوروی و آلمان نقش مهمی داشت امروز در دادگاه نظامی انگلیس در هامبورك به ۱۸ سال حبس محکوم شده دادگاه فن مانشتاین‌را باتهامات مختلف مانند اعدام اسرای روسی‌و بدرفتاری با اسرای متفقین‌محکوم کرد

احتمال میرود حکم دادگاه بدوی در مراحل بالا تر تشدید شده و حتی ممکن است فلدمارشال‌مذکور به اعدام‌محکوم گردد.

آگهی حصروراثت

از طرف عاشردیان کلیمی فرزند سلیمان دارنده‌شناسنامه‌شماره۲۰۳۵۴ صادره از صفهان شغل دوره‌گرد مقیم تهران خیابان گرگان کوچه‌نوپسرکانی بخش ۲ دولت درخواست حصر وراثت تقدیم داشته وبشرح پرونده ۴۲۱-۲۸ توضیح داده که بمان دیان دارنده‌شناسنامه شماره ۲۰۳۵۲ مادر متقاضی‌درتاریخ ۱۵-۶-۱۳۲۶ در تهران جایگاه همیشگی خود درگذشته ووارث منحصرمتوفیه متقاضی پسر او میباشدمستندمستند درخواست‌یکبرك‌استشهاد و یکبرك رونوشت شناسنامه و یکبرك‌شناسنامه و خلاصه‌مرك.

اینك با تجویز ماده ۳۶۱ قانون امور حسبی مراتب را ۳ نوبت بفاصله ۱ ماه‌آگهی مینمایدتاهرکس نسبت بدرخواست‌مزبوراعتراض‌داردیاوصیت‌نامه از تاریخ نشر اولین آگهی بدادگاه شعبه ۷ بخش‌تهران تقدیم‌داردوالا پس‌ازانقضاء موعد طبق تقاضا گواهی صادر خواهد شد وضمنا برای وصیتنامه رسمی وسری هرگونه وصیتنامه دیگری از طرف اشخاص ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

آ.م

دادرس شعبه۷ دادگاه بخش تهران نورجاه

نیسان

نیسان به صحنه مطبوعاتی ایران گام می نهد

بقیه از صفحه ۱

و با پیروان هر کیش و عقیده دیگر است.

اگر ایران با همین حال خرابی و فلاکت باقی بماند زیانش متوجه همه ماست و برعکس اگردر سایه کوشش مشترك میهن ما تبدیل به کشوری آباد و آزاد گردد هم مسلمانان و هم یهود و هم پیروان فرق دیگر میتوانند در آن با خوشی وسعادت برادروار زندگی کنند و از ذخائر ثروت و منابع پر ارزش میهن خود برخوردار شوند.

در شرایط امروز ایران، یك روزنامه خوب میتوانید با لحن منطقی وزبان ساده مسائل مهم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و علمی راکه میهن‌ما با آن مواجه است مطرح کند و بادادن پاسخ صحیح وکافی بدان ذهن هم میهنان خود رابه‌روش درست‌حل این مسائل روشن‌سازد.

جای تاسف است که در اثر عدم توجه اولیای مسئول، هم میهنان‌ما در محیط اجتماعی تیره و تاری بسر میبرند،حتی عده معدودی که‌خواندن و نوشتن میدانند از دسترس به مطبوعات و انتشاراتی‌که به بالابردن سطح فرهنك و فهم عموی آنها کمك کند‌محرومند زیرا حقیقتا کمتر کتاب و روزنامه خوب‌در کشور ما وجود دارد،

تنزل سطح اخلاقی در بین‌اغلب روزنامه‌نگاران و نویسندگان فعلی که‌علت اساسیش فساد و تباهی عمومی در دستگاه‌فرمان رواست این افراد را از توجه به وظیفه مهمشان که‌سعی درانعکاس حقایق و تعقیب روش صحیح نویسی و حقگوئی است بازداشته و منافع‌خصوصی آنها را مافوق مصالح اجتماعی ومعنوی قرار داده است.

در چنین محیط تیره‌و تارکه اغلب مطبوعات موجودبرای گمراه کردن هم میهنان ما سم پراکنی میکنند اهمیت وظیفه یك روزنامه شرافتمند و درستکار بیشتر واضح می شود.

باوجودیکه در اثر بی‌اعتنائی‌اولیای‌مسئول سطح معلومات عمومی‌درمیهن‌ما کم است ولی هم‌میهنان ما دارای‌حس‌تشخیص تیز و صائبی هستند هر روزنامه‌خوب را از بد میشناسند، دوستدار خود را از دشمن تمیز میدهند، نویسنده شرافتمندو حق‌گورا باکسانیکه قلم را وسیله سود جوئی قرار داده‌اند اشتباه نمیکنند.

روی این اصل است که ما با اتکای به نیت ومنظور خیر خواهانه و میهن دوستانه خود، معتقدیم که روزنامه نیسان نه تنها در میان هم کیشان یهودی ما با گرمی وسرت استقبال‌خواهد شد بلکه در بین عموم هم میهنان ما اعم از مسلمان و هر کشیش و عقیده دیگر خوانندگان بسیار وفادار خواهدداشت

ما در عین اینك سعی‌میکنیم خوانندگان عزیز خود را بااسلوبی‌درست در جریان حوادث جدید سیاسی داخلی وبین‌المللی بگذاریم برای بالابردن سطح معلومات آنها در همه زمینه های فرهنگی، علمی، فلسفی، اجتماعی، ادبی هنری خواهیم کوشید.

ما نمیخواهیم با روزنامه خود تجارت کنیم بلکه میل داریم به هم میهنان خود حقیقتا خدمت نمائیم و راه راست را به‌آنها نشان دهیم.

روزنامه مامخصوصا برای یهودیان ایران گنجینه پرارزشی خواهد بود. ماسعی خواهیم کردمسائل‌سیاسی و اجتماعی موردتوجه هم کیشان یهوری خود را مطرح نمائیم و بدان پاسخ درست و منطقی بدهیم.

ما خواهیم کوشید مسائل بین‌المللی مربوط به یهود را که مخصوصا پس از تشکیل دولت ایسرائل اهمیت خاصی در سیاست عمومی بین‌المللی پیدا کرده است تشریح وتفسیر کنیم و همچنین مسائل داخلی مورد توجه یهودیان ایران‌را برای روشن کردن افکار آنها مورد بحث دقیق قرار دهیم.

ما از حقوق حقه یهودیان ایران که حفظ آن موردتوجه‌هم‌میهنان‌مسلمان ما نیز هست دفاع خواهیم کرد و در محکم ساختن رشته ارتباط و هم بستگی آنها با بقیه هم میهنان خود خواهیم کوشید.

نباید تصور کرد مطالبی که روزنامه نیسان در باره یهودیان ایرانی مینویسد فقط جنبه خصوصی دارد و دانستن آن برای دیگرهم میهنان ما لازم نیست. ما مخصوصا بخوانندگان خود توصیه میکنیم که همه ستونهای روزنامه را بخوانند زیرا مسلما فهم قضایای بین‌المللی مربوط به یهود،آنها را در فهم مسائل کلی‌بین‌المللی کمك خواهد کرد و همچنین دانستن وضع اجتماعی و سیاسی یهودیان ایرانی برای همه هم‌میهنان‌مامفیدو ثمر بخش خواهد بود.

ما جز به‌خوانندگان وفادار خود بجائی بستگی نداریم در خط‌مشی مطبوعاتی جز مصالح میهن خود و صلح عمومی عامل دیگری در نظر نمیگیریم. امید واریم که ارتباط مابا خوانندگان خود زیادشود و بدین ترتیب روزنامه نیسان در راه انعکاس احتیاجات و آمال حقیقی هم میهنان عزیز منظما روبه تکامل و پیشرفت برود.

ما میل داریم خوانندگان عزیز بروزنامه ما علاقمند شوند و باخرید و اشتراك آن ما را به ادامه‌وظیفه بزرگی که بگردن گرفته‌ایم، کمك و یاری نمایند. امیدواریم که شماره‌های روزنامه را هردفعه بهتر از پیش برای خوانندگان گرامی جالب و مفید سازیم.

ما اطمینان‌داریم‌روش شرافتمندانه و درست‌ما سبب جلب توجه و اعتماد عمومی نسبت‌به‌روزنامه نیسان خواهد شد و این روزنامه در تعقیب راه درخشانی که پیمودن آنرا بعهده‌گرفته است کامیاب خواهدبود.

ش-انور

در شماره آینده منتظر یك مسابقه اجتماعی باشید

محیط کشور ما دچار کود فکری شده‌است بواسطه فقدان مطبوعات خوب کتاب‌های موثر وسخنرانیها وبحثهای مفید نیروی تفکر درمورد هم‌میهنان مابوضع زنك زده‌ای مبتلا گردیده‌است باید کاری کرد که‌این رکود جای خودرا بفعالیت بدهد باید وضعی‌فراهم آورد که هم‌میهنان مابفکر کردن عادت کنند درباره مسائل مختلف علمی، اجتماعی، هنری وادبی تعمق نمایند از گنجینه عظیم معلومات‌و اطلاعات جالب توجهی که اینك دردست‌فرزندان بشراست توشه‌کافی برگیرند وبه آن‌چیزی بیافزایند روزنامه نیسان تصمیم داردبسهم‌خود دراین راه بکوشد ودر ستونهای محدودخود وسائلی فراهم آورد تا هم میهنان عزیزرا بتفکر وتعمق وادار سازد ازجمله وسائل صحیح و موثری که دراین راه‌موردنظر ماست ترتیب دادن مسابقه‌های‌علمی‌و اجتماعی سیاسی واقتصادی وهنری مفیداست البته مانمیخواهیم بتقلید بعضی نشریه هاذهن خوانندگان خودرا درمسائل کوچك حقیر و کم اهمیت گمراه سازیم بلکه میخواهیم برای‌اینکار مهمترین‌وجالب‌توجه ترین موضوع هارا که تعمق وتفکر ومطالعه درآن برای بالا بردن سطح معلومات خوانندگان عزیز مفید وموثر خواهد بود برگزینیم ازاینجهت است مادر شماره آینده‌اقدام بطرح یك‌مسابقه اجتماعی مهم‌خواهیم کرد خوانندگان‌منتظر شماره آینده باشند وسعی نمایند که درمسابقه‌ها حتی‌الامکان شرکت ورزند وفکرخودرا بکارا اندازند.

بدهات توجه کنید

وضع دهات ایران خیلی خراب‌است اکثریت مردم کشور ما ده‌نشین هستند شاید بیش‌از دوثلث جمعیت ایران بازراعت زندگی‌می کنند ولی وضع امروز دهات بمنزله دادن حکم سرگردانی و بی خانمانی همه آنهاست.

دردهات ازفرهنك وبهداشت هیچ خبری‌نیست. زندگی‌مردم دهات مثل زندگی افراد بربراست. زارعین درمعرض هزاران خطر هستند خطرات طبیعی غالباً منجر به‌از میان رفتن همه محصول می‌شود ولی نه‌تنها هیچ کمکی بآنها برای مبارزه برضد این خطرات بعمل نمی‌آید بلکه باضافه خطرات متعدد دیگر ازقبیل فشار مالی بعضی مامورین دولتی ومتصدیان اخذاضافه‌محصول آنهارا بااشکالات‌بیشتری مواجه میسازند.

وسائل زراعتی مثل وسائل هزارها سال پیش‌است واز این جهت مقدار محصول کفاف پرداخت مقادیر هنگفت سهم ارباب؛ سهم فلان مأمور دولت وپرداخت قروض گذشته زارع‌را نمیکند و هنوز فصل درو شروع‌نشده دچار گرسنگی، فقر وفلاکت میشود وناچارده خودرا ترك کرده وبطرف شهرها رو می‌آورد. از وضع بحرانی فعلی شهرها نیز کاری برای زارع فلکزده انجام نمی‌دهند واو مجبور می‌شود در کوچه‌ها و خیابانها ومیدانها لخت و گرسنه وبی‌خانمان بسر برد وبا تحمل هزاران رنج ومشقت بالاخره راه قبررا جستجو نمایند. این‌خطر بزرك خطر ویران‌شدن دهات ومهاجرت دسته جمعی دهاتین بشهرها وبالنتیجه مرك دسته جمعی آنهاآینده وخیمی‌را برای کشور درجلوی چشم‌ها مجسم میسازد اینوضع‌منجر بنابود شدن‌جمعیت ایران ازبین رفتن زراعت آن وتشدید فقر؛ قحطی و گرسنگی‌میشود باید بااین خطر مبارزه کرد. باید بدهات توجه نمود. آیا اولیای اموربااین‌خطر نیزتوجه دارند؛ آیا درصددعلاج آن‌هستند؛درصورتیکه میخواهند آنراعلاج نمایند آیاراه آنرا تشخیص میدهند؛ متاسفانه‌باید بگوئیم که‌رفتار اولیای اموردر مورد مهاجرین‌آذربایجان‌و کیسبون بازی‌های بی‌نتیجه بسئوالات بالاجواب منفی میدهد

پایان جنگ

بقیه از صفحه ۳:

ازوصول نیرو های کمونیست بامرزهای هندو چین ،درچندوقت اخیرسیاست کاملا محتاطانه‌ئی در پیش گرفته است.

ازطرف دیگر در مورد تشکیل‌یك اتحادیه اقیانوس ساکن بر ضد کمونیسم که‌می بایستی رهبری‌آن‌باامریکاومرکز ثقل‌آن‌هندوستان وپاکستان‌باشد. دولت انگلیس‌چندان‌روی‌خوشی‌نشان‌نداد.

اظهارات‌جواهر لعل‌نهرودرواشنگتن دائر براینکه هندوستان جدا از شرکت درهر یك از دوبلوك کمونیست و ضد کمونیست احتراز خواهد ورزید ،نشانه این امر است.

چندروز پیش نظیر اظهارات نهرو را تاکین لو نخست‌وزیر برمانی نیز تکرار کرده است.

باتوجه بتمام این مقدمات است که دوروزپیش وزیر خارجه امریکا اعلام داشت که فرمز باتفاق‌آراء دول متفق بچین واگذار شده است، هر گونه تجدیدنظری دراین‌مورد درصلاحیت‌شورای امنیت میباشد ،وامریکا به‌تنهائی‌نمیتواند هیچ‌گونه تصمیمی در این باره‌بگیرد.

خاتمه‌جنك‌داخلی‌درچین‌اصلی‌موقعیت سیاسی کمونیستهارا کاملا تحکیم‌میکند و دراین‌ضمن‌موعدی که‌ازطرف بوین‌و نهرو درمورد شناسائی چین کمونیست ازطرف کشورهای مشترك‌المنافع بریتانیا اعلام شده بود ،نزدیك میشود.

اگربیاد داشته باشیم وزرای کمن ولت شناسائی چین‌را باول سال ۱۹۵۰ موکول کرده بودند و حتی‌یکی‌ازسخن گویان بریتانیائی چندی پیش گفت که دولت انگلیس برای شناسائی حکومت مائوتسه تونك منتظر تشکیل کنفرانس وزرای خارجه کمن ولت (که‌قراراست درکانبرا بعمل‌آید)نخواهد بود.

دولت مائوتسه‌تونك در جریان‌این این‌موفقیتها، اخیرا کنفرانسی با شرکت چندین صدنفر ازنمایندگان کشاورز سر تاسر چین در پکن تشکیل دادودر آنجا اساس‌یك‌سیاست کشاورزی جدیدوهدف های کشاورزی در ظرف سالهای آینده پی‌ریزی گردید.

آغاز کار های ساختمانی و احیاء اقتصادیات‌درچین‌فصل‌جدیدی‌درحیات‌اقتصادی اینکشور و آرزو ها ومنویات کشور هائی‌که چشم ببازار داخلی‌چین‌دوخته‌اند باز میکند.

بااینکه سران‌دولت کمونیست چین در اظهارات خود فقط به پشتیبانی و همکاری اتحاد شوروی استناد کرده وهم کاری بین کشور های دمکراسی نوین‌را برای احیاءچین‌نو کافی‌شمرده اند، ولی محافل‌صنعتی وبازرگانی باختری اعم از امریکائی وانگلیسی که‌بهیچ‌وجه حاضر به‌از کف دادن بازارو سیع چین(بازاری که در اثر سیاست نوین اقتصادی باز هم وسیعتر خواهدشد)راضی‌نیستند.

وهمین عامل اساسی است که قطعا می‌تواند کشور های باختری را به‌تجدید نظردرسیاست کلی اقتصادی خود نسبت بمنطقه سوسیالیستی دنیاوادار بکند.

در موردسیاست‌آینده امریکا نسبت به‌اتخاذتصمیم روشی در باره چین‌جدید کمونیست ،تاثیر اینگونه تمایلات‌اقتصادی وبازرگانی را بهیچوجه نبایداز‌نظردور نمود.